

رئیس‌های رسمی از توپ رقابت‌های جام جهانی فوتبال ۲۰۱۴ در بوئنوس آیرس پایتخت برزیل



## تَب داغ برزیل در جعبه جادو

صفحات ۸ و ۹

### آگهی مزایده

اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان قدس در نظر دارد، ۲ واحد آپارتمان مسکونی خود را از طریق مزایده عمومی به مدت یکسال به اجاره واگذار نماید.  
لذا علاقه‌مندان می‌توانند جهت اطلاع از شرایط مزایده مذکور به دبیرخانه این اداره واقع در کیلومتر ۳۰ جاده قدیم تهران - کرج، شهر قدس، بلوار ۴۵ متری امام خمینی، خیابان عمارت، اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان قدس مراجعه و یا برای کسب اطلاع بیشتر با شماره تلفن‌های ۴۶۸۵۳۲۲۲ و ۴۶۸۲۱۸۲۸ تماس حاصل نمایند.

۱۸۸۳

دسترس آسان به دفاتر پذیرش آگهی







رشد و توسعه شبکه‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر اتفاق خوبی بود و در واقع راه‌اندازی هر شبکه در جهانی که در جنگ رسانه‌ای به سر می‌برد به مثابه تولد یک سرباز تازه محسوب می‌شود، اما این موفقیت همیشه با دغدغه‌های بزرگی هم همراه است. مثلاً این که چگونه می‌توان برنامه‌های این شبکه‌ها را تامین و آن را مدیریت کرد و یا به پای مخاطب پیش رفت؟ رشد کمی بدون توسعه کیفی یک رشد ناقص است و صرفاً نمی‌توان به راه‌اندازی یک شبکه دلخوش بود، چون برقراری و ماندگاری آن مهم‌تر است.

اگر از حیث مضمونی به کالبدشکافی شبکه‌های تازه تاسیس بپردازیم، متوجه خواهیم شد شبکه‌ها با محوریت و موضوع نمایش بیش از سوزهای دیگر بهانه تاسیس شبکه‌های جدید قرار گرفته است. از خود شبکه نمایش گرفته تا شبکه‌های تماشای آیفیلم و حتی نسیم که کارکردهای نمایشی بالایی دارند. گرچه در درون این شبکه‌های نمایش محور یک تقسیم‌بندی تخصصی اتفاق افتاده و فیلم و سریال‌ها از هم جدا شده، یا حتی ژانر طنز در شبکه نسیم وجه مستقل پیدا کرده، اما همه آنها در یک هدف مشترک هستند و آن هم ایجاد سرگرمی و جلب رضایت مخاطب از طریق انواع و اشکال نمایشی است.

بدیهی است هر کدام از این شبکه‌ها دست کم ابتدای راه، توان و ظرفیت کافی برای خودتکایی و خودکفایی در تولید محتوا نداشته و سعی می‌کردند از طریق واردات نمایشی مثل پخش فیلم و سریال‌های خاطره‌انگیز که برای مخاطبان کارکرد نوستالژیک داشته، به حیات خود ادامه بدهند، اما همواره با این انتقاد مواجه بودند که این شبکه‌ها، شبکه‌های بازپخش هستند که بعد از مدتی در دام تکرار گرفتار شده و بتدریج مخاطبان خود را از دست می‌دهند.

خود این شبکه‌ها و مدیرانش نیز البته به این ضعف واقف بوده و برای رسیدن از مرحله بازپخش به مرحله تولیدی و خودکفایی تلاش‌هایی را شروع می‌کردند، هر چند نمی‌توان انتظار داشت همه ساعت‌های پخش این شبکه‌ها کاملاً تولیدی باشد، اما خلأ این ضرورت همواره احساس می‌شود.

اهدافی که پشت سیاست افزایش شبکه‌های تلویزیونی وجود دارد، بی‌شک به سیاست افزایش جمعیت نیست. این که با افزایش نفوس، نقوش بیشتری متولد شده و نقش‌های جدیدی ایجاد می‌شود که به گردش کاری و پویایی بیشتر در کار منجر می‌شود؛ البته این یک اتفاق خود به‌خودی نیست و قطعاً در ساخت کنش‌های انسانی باید برنامه‌ریزی کرد. مخاطب‌شناسی در همه شبکه‌های تلویزیونی ضرورت دارد، اما شبکه‌های تازه تاسیس، هم به دلیل تخصص‌گرایی و هم جدید بودن بیشتر نیازمند مطالعات علمی و روشمند در حوزه مخاطب‌شناسی است؛ این که کدام برنامه برای کدام مخاطب مناسب بوده و چگونه باید برای شبکه‌های تازه تاسیس مخاطب جذب کرد آن هم مخاطبان آگاه و هوشمند که آگاهانه دست به انتخاب شبکه‌ها می‌زنند و به تماشای آن می‌نشینند.

## سیدرضا صائمی

با نگاهی گذرا به محصولات سینمایی و تلویزیونی کشورهای دیگر و بخصوص آمریکا در سال‌های اخیر و مقایسه ابعاد فنی و هنری آنها، به این نکته مهم می‌رسیم که در یکی دو دهه اخیر، استعدادهای بزرگ ایده‌پردازی و داستان‌سرایی و مضمون‌پردازی در عرصه تلویزیون و سریال مشغول به فعالیت هستند و به نظر می‌رسد برآیند سیستم مجموعه‌سازی تلویزیون این کشور به لحاظ جذابیت و کشش دراماتیک، از محصولات سینمایی و هالیوودی پیشی گرفته و از کیفیت دراماتیک و داستانی بیشتر و بهتری برخوردار است. سریال به دلیل فراگیری و گسترده‌تری رسانه تلویزیون و تعداد بیشتر مخاطب و همچنین به دلیل بازه زمانی طولانی که تماشاگر را درگیر رخدادها و حوادث و شخصیت‌های مختلف می‌کند، همواره از اثرگذارترین فرم‌های هنری و رسانه‌ای محسوب شده و یکی از مناسب‌ترین قالب‌ها برای اثرگذاری بر تماشاگر و تزریق مفاهیم و درونمایه‌های مورد توجه به نظر می‌رسد. سریال‌های تلویزیونی برای مدت‌ها به‌عنوان پدیده‌هایی به لحاظ جغرافیایی محدود مطرح بودند و عوامل مختلفی مثل رسانه، زمان پخش و موضوع و محتوای آنها باعث می‌شد مخاطب محدود به لحاظ پراکندگی جغرافیایی و فرهنگی داشته باشند، اما در سال‌های اخیر تغییرات و پیشرفت‌های تکنولوژیک موجب ارتقای سریال‌ها به لحاظ گستره جغرافیایی و زمانی شده و اینترنت، شبکه‌های ماهواره‌ای و دی‌وی‌دی از عوامل اصلی این تحول است. به این ترتیب در ادامه موج جهانی شدن که جنبه‌های مختلف فرهنگ و اقتصاد و تجارت و... را دربر گرفته، سریال‌های تلویزیونی هم تبدیل به پدیده‌هایی کاملاً جهانی شده و هم‌زمان در تمام نقاط جهان مخاطب دارند.

گذشته از بعضی سریال‌های باکیفیت غربی، اکنون شاهد آن هستیم که حتی نازل‌ترین و سطح پایین‌ترین سریال‌های کره‌ای و ترکیه‌ای و کلمبیایی و... هم در شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای انبوه تماشاگران را جذب خود می‌کنند و با دم دستی‌ترین و گاه مبتذل‌ترین تمهیدات و شگردها، مخاطبان خود را وادار به تعقیب و پیگیری حوادث و رویدادهای خود می‌کنند. در این بین آنچه شایسته توجه و دقت است، این که چگونه این سریال‌ها با این سطح هنری و کیفی پایین، ابزارهای مهم رسانه‌های غربی و بیگانه برای دگرگون کردن الگوهای فرهنگی و اجتماعی و عقیدتی مخاطبان خود شده‌اند. نمی‌توان انکار کرد که یک سریال جذاب از کارآمدترین و موثرترین فرم‌ها و قالب‌های هنری

## چندو چونی در سریال‌سازی شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیما

## طرحی نو در اندازیم

برای تزریق تم‌ها و مضمون‌های فرهنگی و اجتماعی مورد نظر در خودآگاه و ناخودآگاه تماشاگر است، و نمی‌توان انکار کرد که در این عرصه و در تقابل با محصولاتی که به تعداد فراوان و با آب و رنگ‌های مختلف، مدام از طریق شبکه‌ها و رسانه‌های بیگانه و غربی در دسترس مخاطب ایرانی قرار می‌گیرند شاید اندکی کم‌کاری و سهل‌انگاری صورت گرفته است.

## پیش‌تاز در معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی

هیچ چیز مثل یک فیلم و مهم‌تر از آن سریال خوب و هنرمندانه نمی‌تواند در معرفی فرهنگ و مبانی اعتقادی و ارزشی و مذهبی ایرانی برای مخاطبان کشورهای دیگر موثر باشد.

در این مسیر، سریال‌هایی که از شبکه سحر برای مخاطبان خارج از ایران پخش می‌شود، از حساسیت و اهمیت خاص و ویژه‌ای برخوردارند. شبکه سحر به‌عنوان شبکه‌ای که مخاطب هدفش بیننده غیرایرانی است، سهم عمده و بسزایی در معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی، جایگاه و مبانی ارزشی خانواده، جایگاه زن در تمدن اسلامی ایرانی، و... و ترویج این فرهنگ و جذاب و کارآمد جلوه دادن آن در میان مخاطبان خارجی دارد؛ و در جهان امروز و در عصر رسانه، کمتر مادیوم هنری است که مثل یک سریال بتواند به غیرمستقیم‌ترین و به تبع آن موثرترین شکل ممکن از عهده این مهم برآید. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که جریان سریال‌سازی در سال‌های پس از انقلاب با وجود رشد کمی و کیفی چشمگیر، از نظر تقسیم‌بندی موضوعی و رویکرد ژانری، وضع مناسبی نداشته و سریال‌های ایرانی در ۳۰ سال اخیر، محدود به چند گونه ثابت نمایشی مانند سریال‌های تاریخی و درام‌های خانوادگی مانده‌اند و در گذر زمان با اشکال متفاوت و ظواهر متغیر تکرار شده و تنها در موارد معدودی مسیر رشد را طی کرده‌اند. در مقابل این گونه‌های نمایشی، گونه‌های دیگری هم وجود دارد که یا به کلی مغفول مانده‌اند یا به شکلی حدقلی و در قالب چند نمونه معدود فرصت ابراز وجود یافته‌اند. سریال‌های وادار وقایع مذهبی و آیینی مثل امام علی (ع) که مهم‌ترین و محبوب‌ترین سریال در این چارچوب داستانی است و تنها‌ترین سردار، ولایت عشق، مریم مقدس (س)، مسافر ری و بشارت منجی از آن جمله‌اند، سریال‌های وادار وقایع و روایات مرتبط با تاریخ معاصر یا تاریخ کهن مثل هزارستان، سلطان و شیان و سرداران، سریال‌های تاریخی شخصیت‌محور مثل ابن سینا، دکتر قریب، شهریار و کوچک جنگلی و بالاخره درام‌های خانوادگی، عمده حجم سریال‌های ساخته شده در دوران پس از انقلاب را تشکیل می‌دهند. درست است که در این بین درام‌های خانوادگی پر مخاطب‌ترین گونه نمایشی در میان سریال‌ها بوده‌اند، روند تولیدشان نه‌تنها در ایران، که در دنیا هم هرگز رو به کاهش نگذاشته و حتی گاه شدت هم گرفته است، اما واقعیت این است که یکی از نقاط ضعف سیستم سریال‌سازی در تلویزیون ایران همین محدود بودن قالب‌ها و ژانرهاست.

## در مسیر ذائقه تماشاگر

تماشاگر جهانی به‌عنوان تماشاگر هدف یک شبکه جهانی مثل شبکه سحر، اکنون با فرم‌ها و قالب‌ها و ژانرهای مختلف و متنوعی آشناست و ذائقه تماشاگر امروز طالب تنوع و تکثر دراماتیک و داستانی است. در این مسیر تلفیق ژانرها و سبک‌های کمتر تجربه شده در عرصه سریال

مثل آثار پلیسی و حادثه‌ای و علمی - تخیلی و معمایی و... با آداب و سنت‌های بومی و نشاندن حوادث و رویدادهای این آثار بر بستر فرهنگ ایرانی - اسلامی، می‌تواند در عین ایجاد امکانات بیشتر برای معرفی و مطالعه این فرهنگ از زوایا و درجه‌ها و منظرهای گوناگون، در جلب تماشاگر جهانی شبکه‌ای نظیر شبکه سحر که نه‌تنها به دوبله و پخش سریال‌های ایرانی می‌پردازد، که خود دستی بر تولید سریال‌های جذابی چون «تفه‌الاسلام»، «قائم‌مقام فراهانی»، «سقوط»، «روزنامه‌چی‌ها»، «قاب‌های خالی» و... دارد، موثر باشد و او را ترغیب به تماشا و پیگیری این آثار کند.

در این مسیر، باید به این نکته هم توجه داشت که در جهان امروز و برای مخاطب امروز، دیگر روش‌های سنتی و قدیمی ساخت سریال نمی‌تواند پاسخگو باشد. یکی از دلایل اصلی جذابیت سریال‌های آمریکایی و کیفیت بالای دراماتیک آنها، توجه به کار گروهی در عرصه نویسندگی و فیلمنامه‌نویسی است. در کشور ما هنوز که هنوز است، وظیفه نویسندگی سریال‌ها به عهده تنها یک فیلمنامه‌نویس است و برای ایده‌پردازی یک سریال بلند چند ده قسمتی و همواره جذاب و تر و تازه پیش بردن آن، خلأیست تنها یک نویسنده به سختی می‌تواند پاسخگو باشد و کفایت کند. سریال‌های بزرگ آمریکایی به لحاظ اجرا و شیوه‌های کارگردانی معمولاً از استاندارد مشخص و متداولی برخوردارند و در کشور ما کارگردان‌های بسیاری توان کارگردانی و اجرا در آن سطح را دارند؛ اما آنچه این سریال‌ها را جذاب و متمایز جلوه می‌دهد، فیلمنامه‌هایی بشدت جذاب و متفاوت است که در بیشتر قریب به اتفاق موارد حاصل همکاری تیم زبردستی از نویسندگان است.

## فیلمنامه‌های فکر شده

اکنون در بین هزاران شبکه تلویزیونی که در رقابت تنگاتنگ با یکدیگر مدام در تلاش جذب تماشاگر بیشتر و گرفتن گوی سبقت از یکدیگرند، موفقیت تنها در گرو باور به جذابیت‌ها و ارزش‌های ملی و میهنی و عرضه آنها به هنرمندانه‌ترین و حرفه‌ای‌ترین شکل ممکن است. کافی است از اصرار و پافشاری بر روش‌های بارها تکرار شده که حاصلی جز ملال نداشته است، دست کشید و جهانی اندیشید... و می‌دانیم که جهانی‌ترین هنرمندان و محصولات هنری، همواره بومی‌ترین و اصیل‌ترین آنها بوده است. علاوه بر ساخت سریال، شبکه سحر در پخش سریال‌های ایرانی که با شیوه دوبله در سیمایهای اردو، انگلیسی، کردی و آذری و زیرنویس در سیمایهای بوسنیایی و فرانسوی به نمایش درمی‌آید، پیش‌تاز بوده تا جایی که در کشورهای کرد زبان، سریال‌های دوبله‌شده‌اش تکثیر شده و دست به دست می‌چرخد. سریال‌هایی مانند یوسف پیامبر (ع) و مختارنامه که در زمان پخش از شبکه سحر، موجی از علاقه‌مندان در شورایی چون عراق، آذربایجان و شبه قاره هند به راه انداخت؛ سریال‌هایی که با دوبله قوی و محتوای پاک و آموزنده، بازار سریال‌های غربی و آمریکایی را در این کشورها کساد کرده است.

حال که این شبکه برون‌مرزی جای خود را در میان سیل علاقه‌مندان به سریال‌های ایرانی پیدا کرده است و تجربه موفق تولید فیلم‌های سینمایی چون «خاک و مرجان»، «پاریس تا پاریس»، «راه نجات»، «سهم گمشده»، «سپاه سپید» و... را در کارنامه خود دارد، بهتر آن که با دانش فرهنگی که از مخاطبان خود دارد، گام بلندتر و موثرتری در عرصه ساخت سریال‌هایی در فضای جغرافیایی مخاطبان و مطابق فرهنگ آنها بردارد و از فرصت شگرف انتقال فرهنگ و دیدگاه‌های ایران اسلامی به آن سوی مرزهای ایران از کانال تولیدات جذاب نمایشی، به بهترین نحو بهره‌برداری نماید. امید آن که صدا و سیما نیز زمینه‌های پیشرفت و شکوفایی هر چه بیشتر حرکتی را که شبکه سحر، آغازگر آن در میان شبکه‌های برون‌مرزی رسانه ملی بوده است، فراهم آورد.





داستان‌های اکشن و پلیسی به دلیل جذابیت، همیشه طرفداران زیادی داشته است. کمتر کسی است که از نولد، بروسلی و جکی چان را نشناسد. داستان‌های پلیسی به دلیل کششی که در مخاطب ایجاد می‌کنند، قهرمان پروری، داستان‌های دنباله‌دار، ماجراجویی شخصیت‌های قصه و طرح معما، مخاطبان زیادی را جذب کرده است. سهم مخاطبان ایرانی در علاقه به این نوع سریال‌ها شاید بیشتر از بقیه مردم جهان باشد. پوارو و خانم ماربل در ایران چنان محبوبیتی پیدا کردند که در کمتر نقطه‌ای از جهان چنین محبوبیتی نصیبشان شد یا کتاب‌های پلیسی آگاتا کریستی آنقدر در ایران هوادار پیدا کرد که چند بار تجدید چاپ شد و هنوز هم جزو پرفروش‌ترین کتاب‌هاست. در این بین جدا از سریال‌های پلیسی خارجی که به فارسی دوبله و پخش شد، سریال‌های پلیسی زیادی هم از اواخر دهه ۶۰ ساخته شد که صرف نظر از ضعف‌های زیاد در فیلمنامه و شخصیت‌پردازی‌ها، توانست مخاطبان زیادی را پای تلویزیون بنشاند. هر چند به نظر بسیاری از مخاطبان برخی از صحنه‌های تعقیب و گریز در سریال‌ها، غیرواقعی از آب در آمده و اغلب از حالت بسیار جدی به اثری خنده‌دار، ساده‌انگارانه و بسیار بدیهی تبدیل شده است. این روزها در سریال‌های پلیسی فقط شاهد عملیات تعقیب و گریز بین ماموران پلیس و خلافکاران نیستیم و بیشتر این سریال‌ها موضوعات اجتماعی روز را هم پوشش می‌دهند که به وسیله آن پیامی آگاهی‌دهنده به مخاطب منتقل می‌شود اما در این میان آن سریال‌هایی موفق‌اند که علاوه بر جذابیت موضوعی، مخاطب را دست‌کم نگیرند و اثری بدیهی و قابل پیش‌بینی به او عرضه نکنند. بیشتر ما همان قدر که می‌خواهیم دستاوردهای جدید پلیس را در سریال‌ها ببینیم و با تعقیب و گریز خلافکاران توسط پلیس همراه شویم، انتظار داریم سازندگان فیلم اثری کلیشه‌ای و به دور از جذابیت به ما ارائه نکنند.

از آینه عبرت تا کلانتر

از اواخر دهه ۶۰ سریال‌های اکشن - پلیسی با رویکرد روان‌شناختی و اجتماعی ساخته شده است. حالا سال‌ها از زمانی که «آینه عبرت» مهمان خانه‌ها می‌شد، گذشته است اما هنوز هم خیلی‌ها از آن به عنوان یکی از نخستین سریال‌های پلیسی تلویزیون یاد می‌کنند. آینه عبرت، به کارگردانی محسن شامحمدی موضوع اعتیاد و مواد مخدر را دستمایه کار خود قرار داده و تلاش پلیس برای مقابله با آن را نشان می‌داد. تولید و پخش این سریال بین سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۲ با ۵۰ عنوان کلی انجام شد و یکی از مشهورترین عنوان‌های آن برگ‌ریزان بود که در ۲۰ قسمت تهیه شد و شخصیت‌های معروف آن علی و آتقی بودند که این نقش‌ها را به‌ترتیب محمود دینی و جواد گلپایگانی بازی کرده‌اند. یکسال بعد از آینه عبرت، شامحمدی سراغ ساخت «شلیک نهایی» رفت و موضوع پرونده‌های جنایی را مورد بررسی قرار داد که توانست مخاطبان زیادی را جلب کند. این سریال در روایت داستان خود از یک قاعده ثابت پیروی

می‌کرد که در بین سریال‌ها و فیلم‌های پلیسی بی‌سابقه نبود. براساس این قاعده، یک پلیس به صورت مخفیانه بین خلافکاران نفوذ می‌کند و در پایان باعث از هم پاشیدن جمع خلافکارها می‌شود. این سریال پس‌زمینه اجتماعی پررنگی داشت و مناسبات افراد فعال در یک باند تبهکار، بخوبی در آن نشان داده شده بود. شامحمدی سال ۸۰ با سریال «تصمیم نهایی»، دغدغه‌هایش در حوزه مسائل پلیسی را ادامه داد و سال ۱۳۸۴ سریال «کلانتر» را روانه آنتن کرد که در آن، دغدغه‌های اجتماعی او از زاویه نگاه یک پلیس دنبال می‌شد. ایرج نوذری در دو سریال کلانتر ۲ و ۳ نقش یک کارآگاه پلیس را ایفا کرد که هر بار به کشف یک ماجرای پلیسی می‌پرداخت، ماجرای که قربانیان آن معمولاً از بین آدم‌هایی انتخاب می‌شدند که در زندگی شخصی و اجتماعی‌شان با مشکلات و معضلات زیادی مواجه بودند. پخش سریال کلانتر ۲ باعث شهرت و محبوبیت ایرج نوذری شد اما قسمت سوم سریال چندان مورد توجه واقع نشد و به همین دلیل هم ادامه تولید آن متوقف شد.

دوره ظهور کارآگاه‌ها

کمتر مخاطب تلویزیون است که مجموعه تلویزیونی «کارآگاه علوی» به نویسندگی و کارگردانی حسن هدایت را به یاد نداشته باشد. کارآگاه علوی نام شخصیت پایه‌ای مجموعه‌های تلویزیونی است که سال ۱۳۷۵ با مجموعه تلویزیونی کارآگاه و سال ۱۳۷۸ با مجموعه کارآگاه علوی ساخته و در ذهن خیلی‌ها ماندگار شد. با این سریال احمد نجفی به عنوان پای ثابت بیشتر سریال‌های پلیسی چه به عنوان پلیس و چه به عنوان مجرم به مخاطب معرفی شد. در همان سال با پخش مجموعه «سرنخ» به کارگردانی کیومرث پوراحمد که در آن یک پلیس اصفهانی به نام امیرحسین اوصیا به همراه دستیارش سعی در حل ماجراهای پلیسی داشتند، کم‌کم ژانر پلیسی به یکی از ژانرهای ثابت برنامه‌های تلویزیونی تبدیل شد.

عبور از تصویرهای کلیشه‌ای

تلویزیون سال ۸۲ با پخش مجموعه «خواب و بیدار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده دست به تابوشکنی زد. برای اولین بار، حضور زنان پلیس در عملیات سخت به نمایش در آمد و تصویری نسبتاً بکر از باندهای خلافکار را به مخاطب نشان داد که با تصویرهای کلیشه‌ای تفاوت‌های زیادی داشت. در این سریال رویا نونهالی با

نام‌ناشناخته نقش زنی خلافکار، برای اولین بار نقش اصلی جنایی را بازی کرد که تا آن روز در تلویزیون بی‌سابقه بود. فخیم‌زاده در سریال خواب و بیدار تلاش کرد یک اثر اکشن خوب و باکیفیت خلق کند. تا پیش از این سریال، این حجم از صحنه‌پردازی و جلوه‌های ویژه در سریال‌های پلیسی وجود نداشت و چنین سریال‌هایی در اوج خود، به چند شلیک، تیراندازی محدود و در نهایت چند انفجار، محدود می‌شد، اما فخیم‌زاده از امکاناتی مثل هلیکوپتر و صحنه‌پردازی‌های حجیم استفاده کرد و مخاطب را با یک اکشن جدی و تمام‌عیار مواجه کرد. موفقیتی که با پخش خواب و بیدار از آن مهدی فخیم‌زاده شد در آثار پلیسی بعدی او یعنی «حس سوم»، «بی صدا فریاد کن» و «ساختمان ۸۵» تکرار نشد.

همراه با مظنونین

در ساخته‌های سیروس مقدم همیشه می‌توان ردی از پلیس‌ها و روبه‌رو شدن آنها را با خلافکاران پیدا کرد اما این کارگردان در دو سریال به طور مشخص سراغ پلیس رفته و به طور مستقیم این گروه را مورد توجه قرار داده است. سریال «پلیس جوان» که سال ۱۳۸۰ از تلویزیون پخش شد و مقدم در آن تصویری جدید از پلیس ارائه کرد که تا پیش از آن چندان سابقه نداشت. پلیس جوان با بازی شهاب حسینی، شخصیتی بود که پدرش در کشمکش با خلافکارها کشته شده بود و خود با رفتن بین خلافکارها و انجام دادن عملیات قهرمانانه، دشمنان نظم و امنیت را به چالش می‌کشید و خانم خبرنگاری هم در مأموریت‌ها و راه‌همراهی می‌کرد.

این شکل از ارائه شخصیت پلیس، شیوه‌ای کاملاً کلیشه‌ای بود که با پیروی از الگوهای موفق و رایج سریال‌های پلیسی دنیا، تلاش می‌کرد با مخاطب ارتباط برقرار کند.

ورود مواد مخدر جدید و تهدید شدن جوانان، موج جدیدی از سریال‌های پلیسی را پیرامون این موضوع به وجود آورد و به دنبال آن مارتن ساخت

فیوج را محور قصه‌اش قرار داد که پس از سال‌ها از زندان آزاد شده و حالا می‌خواهد انتقام زندگی متلاشی شده‌اش را از ماموری که او را به زندان انداخته، بگیرد. جمیل، رئیس یک باند تبهکاری است اما در زندگی شخصی خود، پدر دلسوزی برای دخترش - خورشید است.

هوش‌های سیاه

مجموعه «هوش سیاه» به کارگردانی مسعود آب‌پرور که سری اول آن اردیبهشت ۸۹ و سری دوم اردیبهشت ۹۲ از شبکه سه روی آنتن رفت را هم می‌توان به عنوان اثری شاخص در کارنامه سریال‌های پلیسی محسوب کرد. جرائم رایانه‌ای در فضای سایبری و دنیای مجازی و سوءاستفاده از اطلاعات شخصی آدم‌ها در فضای مجازی، موضوعی بود که دستمایه سریال هوش سیاه قرار گرفت. سریال هوش سیاه ۲ نمونه‌ای مثال‌زدنی و قابل قبول از یک اثر پلیسی موفق بود که مخاطبان زیادی را با خود همراه کرد. مخاطبان در این سریال تلویزیونی با خلافکارهایی مواجه بودند که به ابزار و فناوری روز مجهز شده بودند. مساله خلافکارها دیگر مساله جابه‌جایی چند تن مواد مخدر یا یک قتل نبود و آنها طعمه‌هایشان را در فضای مجازی پیدا می‌کردند، در زندان هم به فعالیت خود ادامه می‌دادند و برای مثال با استفاده از یک کامپیوتر حکم انتقال‌شان از زندان را جعل می‌کردند. یکی از مهم‌ترین امتیازهای سریال هوش سیاه ۲ پخش هر شبی آن بود؛ مساله‌ای که باعث شد مخاطبان به صورت مداوم پیگیر سریال شوند و آن را تماشا کنند. این سریال از معدود آثاری بود که نمی‌شد بسادگی روند داستان را در آن حدس زد، همان چیزی که مخاطب خیلی برای آن تلاش می‌کند و تشنه آن است.



قدم گذاشتن در دنیای

ماتادورها

سریال اکشن و پلیسی «ماتادور» به کارگردانی فرهاد نجفی هم که به عقیده خیلی‌ها اکشن‌ترین سریال تاریخ ایران است در ادامه پرداختن به موضوعات روز جامعه ساخته شد و نظر

سریال‌های پلیسی همچنان از پر مخاطب‌ترین گونه‌های تلویزیونی است

سریال‌هایی با موضوع موادمخدر شروع شد. «پرواز در حباب» اولین نمونه این جریان بود که بیشتر نگاهی هشداردهنده و آگاه‌کننده به خانواده‌ها و نسل جوان داشت. سیروس مقدم در این سریال موضوع‌های متنوعی مثل اعتیاد، عشق، انتقام و... از خلال زندگی دو جوان را که در جایی از سریال باهم تداخل پیدا می‌کند، نشان می‌دهد که به دلیل زاویه دید آن به موضوع توانست مخاطبان زیادی را جلب کند.

مقدم سال ۱۳۹۱ و در مینی سریال «دیوار» موفق شد اثری اکشن و اجتماعی تولید کند که البته جنبه‌های اجتماعی آن بیشتر به چشم می‌آمد. مقدم در سریال دیوار شخصیتی به نام جمیل از طایفه

مخاطبان زیادی را جلب کرد. شاید بتوان ماتادور را اوج سریال‌سازی در ژانر اکشن - پلیسی دانست که ضعف فیلمنامه در آن به دلیل وجود جذابیت‌های بصری کمتر به چشم می‌آمد. در ماتادور یک مقام اروپایی برای شرکت در کنفرانسی درباره انرژی اتمی به ایران می‌آید. گروهی از تروریست‌ها شامل یک زن و دو مرد که در زمینه ایجاد ناامنی و فضای رعب و وحشت در کشورهای در حال توسعه فعال هستند، برای به هم ریختن برنامه‌های این کنفرانس در ایران دست به فعالیت‌های تروریستی خطرناک می‌زنند. نیروهای پلیس برای جلوگیری از خرابکاری‌های این تروریست‌ها وارد عمل می‌شوند و ماجراهای دیگری اتفاق می‌افتد. یکی از دلایل موفقیت ماتادور جدا از صحنه‌های اکشن آن نمایش آخرین دستاوردها و پیشرفت‌های نیروی انتظامی بود که همیشه برای مخاطب این ژانر یکی از نقاط خیلی جذاب محسوب می‌شود.







احسان رحیمزاده

به بهانه جشن ۲ سالگی «پایش»: تاثیر گذار ترین برنامه بر جریان اقتصاد کشور

## همه اتفاقات پشت پرده

مخاطبان برنامه پنهان نموده و قابلیت انتشار در یک رسانه فراگیر را پیدا کرده است. اگر بیننده این قسمت باشید، با تصاویر جالبی مواجه خواهید شد، مثلاً صندوق انتقاد و پیشنهادهای را می بینید که در بیمارستان واقع شده و مردم مضطرب آنجا داخلش اسکناس انداخته اند؛ با کتابهایی مواجه می شوید که مغازه دار روی قیمت قبلی اش برچسب زده و قیمت جدید را جایگزین کرده است. صفحه روزنامه ای را می بینید که در همه کادراهای تبلیغاتی آن یک عده چالوس به مدیر جدید تبریک گفته اند.

برچسب های تبلیغاتی روی دیوارها و جمع آوری کمک های مردمی برای تامین غذای قوهای مهاجر از دیگر سوژه های قابل مشاهده در این بخش است؛ سوژه هایی که خبرنگاران رسمی برنامه فرصت پیگیری آن را ندارند و الزاما باید توسط مردم شکار شود. در بخش قهرمان هفته، پایش سراغ کارگران و کارمندی می رود که با حداقل حقوق زندگی می گذرانند؛ اما دست به کاری بزرگ زده اند که می توان به آنها لقب قهرمان داد. این قهرمانان را مردم و کارشناسان با رای خودشان انتخاب می کنند. هر بار سه قهرمان معرفی می شود که یکی از آنان بر صدر می نشیند. از بین قهرمان های انتخاب شده می توان به رفتگری اشاره کرد که پولی میلیونی را به صاحبش بازگردانده بود یا معلم خیری که با اهدای یک قطعه زمین در مدرسه سازی مشارکت کرده بود.

نظرسنجی های پایش هم کانال دیگری است که امکان مشارکت مردم را فراهم می کند. در آخرین نظرسنجی برنامه (جشن دو سالگی) ۵۸ درصد مردم گفتند لحن برنامه در برابر مسئولان اقتصادی صریح و اقتصادی بوده است.

۴۲ درصد هم نظر مخالف داشتند و به گزینه خیر رای دادند. مجموعاً حدود ۵۰۰ هزار نفر در این نظرسنجی شرکت کردند که نشان از آمار بالای مخاطبان دارد. هر چند در برخی قسمت ها تعداد پیامک دهندگان به رقم یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر هم رسیده است.

### غیبت گزارش های مستند

پایش برای کسب موفقیت بیشتر باید دوربینش را به خارج از استودیو ببرد و با گزارش های میدانی مردم را در جریان اتفاقات کف بازار قرار دهد. اکنون بیشتر شاهد رفت و آمد کارشناسان و کارآفرینان به استودیو هستیم و از گزارش های مستند و عینی خبری نیست. پیگیری بیشتر سوژه ها و موضوعات نیز به پایش کمک می کند تا گره های کور هر مساله را پیدا کند. البته در این بخش باید هشدارهای مجری برنامه را هم جدی گرفت. او در آخرین برنامه لایه لای صحبت های پایش به این نکته اشاره کرد که وقتی کم کاری و ضعف مسئولان علنی می شود و آنها به روی مبارک خودشان نمی آورند که مقصر هستند، شاید تغییر ساعت پخش برنامه بتواند این مساله را حل کند. خیلی از مسئولان در نیمه شبی که پایش پخش می شود، در خواب ناز به سر می برند. اگر برنامه چند ساعتی زودتر پخش شود شاید خواب آنها هم به تاخیر بیفتد.

می رود که مردم صبح تا شب با آن درگیر هستند. در یکی از قسمت های دیگر برنامه حجت الاسلام شهاب الدین مرادی به استودیو آمد و درباره تشریفات اضافی مراسم عروسی و خرج و مخارج آن سخن گفت. مرادی در جایگاه یک کارشناس دینی و معارفی به بررسی یک موضوع فرهنگی، اقتصادی پرداخت و توضیح داد که ریخت و پاش های چند صد میلیونی در جشن های ازدواج با چه انگیزه ای صورت می گیرد. مرادی ریشه تفاخر برای برگزاری مجالس تشریفاتی را حماقت عنوان کرد و ادامه داد: وقتی در درون خودمان احساس ارزشمند بودن نمی کنیم، به مدل های تجملاتی متوسل می شویم.

پایش در طول این دو سال ثابت کرده علاقه ای به پیگیری اقتصاد صرف ندارد و دوست دارد اقتصاد را در پیوند با دیگر حوزه های اجتماع، فرهنگ و هنر بررسی کند. یکی از جالب ترین اخباری که درباره پایش منتشر شد، این خبر بود: «چو چانگ در پایش از اقتصاد چین سخن می گوید.»

حیدری دوست داشت بازیگر چینی سریال پایتخت ۳ را به استودیو بیاورد؛ اما این خواسته محقق نشد چون سفارت چین به او چنین اجازه ای نداد. خانم چو چانگ قرار بود درباره فرهنگ کاری و مصرفی مردم چین صحبت کند؛ مساله ای که برای مردم از جذابیت بسیاری برخوردار است، زیرا مردم دوست دارند بدانند چینی ها چگونه تولید همه جور کالای ریز و درشت را (هرچند با کیفیت پایین) یاد گرفته اند و با صادرات اجناس ارزانقیمت به گول اقتصادی بدل شده اند.

فرهنگ کار و تولید در کشور آسیایی چین و نگرش مردم آن منطقه به زندگی موضوعی است که می تواند از جنبه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. غیبت خانم چو چانگ این بحث را به تعطیلی کشاند و به جای آن کارشناسان درباره نرخ بنزین به بحث و تبادل نظر پرداختند.

### ارتباط دوسویه

#### و بهره گیری از شهروندان خبرنگار

پایش در مدت دو سالی که از پخش آن می گذرد، توانسته به ارتباط دوسویه با مخاطبش دست پیدا کند. مخاطبان پایش بینندگان منفعلی نیستند و در سطوح مختلف با برنامه مورد علاقه شان همکاری می کنند. این همکاری را می توان در قالب پدیده ای به عنوان «خبرنگاری شهروندی» مورد بررسی قرار داد. در این شیوه همه شهروندان یک جامعه می توانند دست به تولید خبر و گزارش بزنند و از طریق رسانه های پرمخاطب محصولشان را عرضه و منتشر کنند. در برنامه پایش در بخش «پایش مردمی» این ارتباط دوطرفه شکل می گیرد. پایش مردمی شامل سوژه هایی است که مردم از دور و برشان شکار کرده اند. سوژه هایی که از دید تیزبین

انتخاب شده برای سال ۹۱ اشاره دارد. بیست و چهارم اردیبهشت بود که پایش پا به میدان برنامه های تلویزیونی گذاشت و تولدش را جشن گرفت. حضور مرتضی حیدری به عنوان مجری برنامه نوید یک کار جدی و قابل تامل را می داد. او در اجرا مسلط و قوی نشان می دهد، چون تحصیلات مرتبط با رشته اقتصاد دارد و از پشتوانه علمی خوبی برخوردار است. مسئولان اقتصادی تمایل دارند در صحبت هایشان به جای پاسخگویی، به بیان عملکرد بپردازند. سخنرانی های آنها معمولاً شامل آمار و اعداد و ارقامی می شود که مخاطب عام از صحت و سقم آن اطلاع درستی ندارد. حیدری با سوالات پشت سر همی که می پرسد، سعی دارد ضرباهنگ تعریف و تمجید مسئولان از خودشان را کاهش دهد. او تا حدودی در این حوزه موفق عمل کرده؛ اما در عین حال باز هم شاهد هستیم که برنامه گاه رنگ و بوی گزارش عملکرد به خود می گیرد.



### وبگردی با چاشنی کار آفرین و قهرمان هفته

در پایگاه اطلاع رسانی پایش، اهدافی چون جلب مشارکت هموطنان در پایش مردمی محیط کسب و کار ایران، جلب مشارکت هموطنان در پایش مردمی محیط کسب و کار، معرفی کارگران فداکار و دارای وجدان کاری بسیار بالا، معرفی تجربیات کارآفرین های موفق و استخراج نظر مردم درباره مسائل روز اقتصاد ایران ذکر شده است. این برنامه تلاش دارد در بخش های مختلف این اهداف را محقق سازد. مهمان ویژه، قهرمان هفته، پایش مردمی، گزارش بازار، وبگردی و کارآفرین مهمان از جمله بخش هایی است که در کنار هم پایش هفتگی را شکل می دهد.

این برنامه با یک سوال محوری به استقبال مهمانان می رود و صرفاً روی شخصیت علمی و حرفه ای آنها متمرکز نمی شود. مثلاً مشاور اقتصادی رئیس جمهور در پایش درباره برنامه دولت برای ادامه هدفمندی یارانه ها صحبت کرد و اطلاعاتی به مردم و رسانه ها داد که بیشتر بار خبری داشت. او در روزهایی روی صندلی مهمان نشست که مردم سوالات زیادی درباره جزئیات اجرای موضوع هدفمندی داشتند. با بررسی قسمت های دیگر برنامه متوجه می شویم پایش به دنبال طرح مباحث تئوری صرف نیست و بیشتر به دنبال موضوعات اقتصادی

شاید بشود گفت «پایش» پربیننده ترین برنامه تلویزیونی در حوزه اقتصاد است. این برنامه که چند روز پیش دو سالگی اش را جشن گرفت، در کنار پرمخاطب بودن، توانسته خودش را به عنوان یک برنامه تاثیر گذار بر جریان اقتصادی کشور معرفی کند. منظور از تاثیر گذاری این نیست که با پخش برنامه، نرخ تورم جابه جا شود یا در قیمت کالاها مورد نیاز مردم تغییری به وجود بیاید. البته ممکن است پایش برخی مواقع تاثیر غیرمستقیمی هم بر کف بازار گذاشته باشد. ولی تاثیر گذاری عمده برنامه را می توان در حوزه تصمیم گیری های مسئولان اقتصادی و موضع گیری های مدیران و برنامه ریزان عرصه کسب و کار مشاهده کرد.

رسم خوب برنامه پایش این است که همه اتفاقات پشت پرده را با مردم در میان می گذارد. شیئی مجری برنامه اعلام کرد مسئول مربوط جواب تلفن برنامه را نمی دهد و از زیر بار پاسخگویی شانه خالی می کند. این جسارت و صراحت به مذاق رئیس جمهور سابق خوش نیامد و آنچنان بر آشفت که صلاح دید موضوع را با رسانه های عمومی در میان بگذارد.

خبرنگاران حوزه اقتصاد هر بار که پایش پخش می شود، آن را رصد می کنند و از آن تیتراهای خوبی بیرون می کشند. معمولاً موضع گیری ها، اعتراضات و انتقادها نسبت به حرف های بیان شده تا چند روز بعد از پخش این برنامه هفتگی ادامه پیدا می کند.

مثلاً همین چند هفته پیش بود که «آمار شغل ایجاد شده در دولت گذشته» در این برنامه اعلام شد که با آمار مورد ادعای دولت مردان پیشین تفاوت فاحشی داشت. از فرادای آن شب این مساله به مهم ترین بحث اقتصادی کشور بدل شد و صاحب نظران تحلیل های متفاوتی را درباره آن ارائه کردند. پایش را از این نظر می توان به برنامه نود شبیه دانست. البته قصد نداریم لقب جعلی و کلیشه ای نود اقتصادی را به پایش بدهیم چون این اصطلاح این قدر دستمالی شده که دیگر کار کرد خودش را از دست داده است. ده ها برنامه تلویزیونی مدعی هستند که ما در حوزه خودمان ضیافتی نودگونه برپا کرده ایم و از این رهگذر، برنامه هایی چون نود سینمایی، مذهبی، اجتماعی، تئاتری و علمی عرض اندام کرده اند. نود یک برنامه منحصر به فرد است که در حوزه ورزش و مشخصاً فوتبال ایران جواب می دهد و تهیه کننده های حوزه های دیگر با تکرار و تقلید از آن راه به جایی نخواهند برد، اما پایش با ساختار و قالبی متفاوت با نود توانسته در حوزه اقتصاد حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد.

این برنامه از عنوان خوبی بهره می برد. پایش به معنی نظارت است و منظور از آن هشیارگی از وضع یک سامانه یا پدیده از راه مشاهده دگرگونی هایی است که ممکن است با گذر زمان در آن سامانه یا پدیده رخ دهد. مرتضی حیدری به همراه همکارش هر هفته آخرین تحولات اقتصادی را پایش می کند و نتیجه آن را با زبانی ساده در اختیار مخاطب قرار می دهد.

این برنامه برای خودش شعار «پادمان حمایت رسانه ملی از کار و سرمایه ایرانی» را انتخاب کرده که به شعار



فراز و فرود دوبله ایران در یک نگاه

# صداهایی که ماندگار شد



رضوان اتاری

زمانی دوبله ایران در اوج خود به سر می‌برد و عصر طلایی خود را تجربه می‌کرد. حالا خیلی وقت است که دوبله از اوجش فاصله گرفته اما هنوز هم دوبله‌های ایرانی تلاش زیادی می‌کنند تا این هنر همچنان سر پا نگه داشته شود؛ هنری که بود و نبودش مرهون همین پیشکسوتان و جوانان بی‌ادعاست.

دوبله چه در انیمیشن، چه در فیلم‌های سینمایی، چه در سریال‌های خارجی و الف ویژه و چه در مستندها و دیگر برنامه‌های ترکیبی نقش مهمی ایفا می‌کند به طوری که یک دوبله قوی، جذب مخاطب را تضمین می‌کند و دوبله ضعیف، حتی بهترین آثار سینمایی و تلویزیونی را زائل می‌کند.

از همین رو و به بهانه تجلیل از پیشکسوتان دوبله توسط معاونت سیما نگاهی داریم به سیر تا پیاپی دوبله در ایران و آنچه از آغاز بر این هنر گرانبها گذشته است.

## تولد یک هنر

سینما در آغاز صامت بود و نیازی به دوبله احساس نمی‌شد، اما در اوایل سال ۱۹۲۱ میلادی (۱۳۰۹ خورشیدی) برای ناطق کردن فیلم‌های صامت، دوبلاژ اختراع شد. اولین کشور که در این راه پیشگام شد، فرانسه بود و سپس ایتالیا و انگلستان از هنر دوبلاژ برای فیلم‌هایشان استفاده کردند.

حدود ۱۵ سال پس از آغاز دوبلاژ در دنیا، این هنر در سال ۱۳۲۵ به ایران رسید. گرچه همه کارهای فنی آن در کشورهای دیگر - بویژه ایتالیا و فرانسه - انجام می‌شد اما در روز پنجشنبه پنجم اردیبهشت ۱۳۲۵ ایرانیان شاهد اولین فیلم فرانسوی دوبله شده به فارسی به نام دختر فراری در سینما کریستال بودند.

گرچه قبل از آن، در اوایل دهه ۱۳۲۰ و در جریان جنگ جهانی دوم، مردم اخبار جنگی را با توضیح فارسی می‌دیدند اما دیدن فیلم‌های سینمایی خارجی آن هم به زبان فارسی امری اعجاب‌انگیز و خارق‌العاده بود. در ضمن تا قبل از این زمان، همه فیلم‌ها به زبان اصلی با میان‌نویس فارسی به نمایش درمی‌آمد به این صورت که صحنه‌های مختلف فیلم را می‌بردند، ترجمه صحنه‌ها را روی کاغذ می‌نوشتند، از نوشته فیلمبرداری می‌کردند و پس از پخش فیلم، وسط صحنه‌های آن، نوشته‌ها را پخش می‌کردند.

## تلاش برای دوبله بهتر

بهترین فیلم دوبله شده به فارسی، پنجمین فیلمی بود که در پاریس کار دوبله آن انجام شد و نامش بازگشت جاودانی بود. این فیلم نسبت به فیلم‌های قبلی از نظر دوبله، محاسنی داشت که باعث برتری آن می‌شد. مانند تطبیق حرکات بازیکنان با صدا و استفاده از کلمات فارسی سلیس و آهنگ صدای بازیگران ایرانی.

نام چهار فیلم قبلی به ترتیب: دختر فراری، دختر کولی، زن سنگدل و تاراس بولبا بود که این چهار فیلم، مشکلات عمده‌ای مانند اندازه نبودن جملات با

دهان و لب هنرپیشه، تارک و کم‌رنگ بودن فیلم‌ها (به علت پوزیتیو بودنشان)، از بین رفتن موزیک متن و افکت‌های صحنه را داشت.

## تاسیس انجمن گویندگان فیلم

در ابتدای دهه ۱۳۴۰ دوبلاژ ایران پس از طی دورانی پانزده ساله و گذراندن تجربیات متفاوت، به هنری مطرح و مردم‌پسند تبدیل شده بود و کمپانی‌های فیلمسازی آمریکا و اروپا با تاسیس نمایندگی‌هایی در تهران، محصولات خود را هم‌زمان با نمایش آنها در سراسر جهان در ایران نیز به نمایش در می‌آوردند و بر دوبله کارهای خود نظارت کامل داشتند.

واردکنندگان مستقل فیلم و صاحبان استودیوهای متعدد دوبلاژ نیز در این میان تلاش داشتند با ارائه کارهای بهتر، از رقبای خود پیشی بگیرند و صاحب سود بیشتر شوند.

در چنین شرایطی ضرورت ایجاد یک تشکیلات تخصصی و منظم که در مواقع لزوم مدافع منافع بحق حرفه دوبلاژ ایران باشد پیش از گذشته احساس می‌شد. به این منظور در سال ۱۳۴۱ طی یک فراخوان رسمی، نشست با حضور بیشتر افرادی که سابقه کار دوبله داشتند در تئاتر پارس صورت گرفت؛ یک سال بعد سندیکای گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم اعلام وجود و اقدام به عضوگیری رسمی از شاغلان دوبلاژ و جلوگیری از کار افراد غیر عضو کرد و بالاخره در سال ۱۳۴۴ اساسنامه سندیکا تصویب شد و به این ترتیب

نخستین تشکیلات تاریخ سینمای ایران به طور رسمی شروع به کار کرد.

در سال ۱۳۵۳ جامعه دوبلاژ به عنوان انجمن پذیرفته و دارای بنیادنامه مصوب شد. پس از شکل‌گیری رسمی انجمن گویندگان اتفاقاتی افتاد که مهم‌ترین آنها، اعتصاب در اواخر سال ۱۳۵۳ برای افزایش دستمزدهاست که نزدیک به ۹ ماه به طول انجامید، اما بالاخره خسرو شاهی و منوچهر زمانی به نمایندگی انجمن گویندگان به مذاکره با واردکنندگان فیلم پرداختند و در فاصله کوتاهی به توافق رسیدند که اضافه دستمزدها به میزان ۴۰ درصد باشد و طلب‌های معوقه نیز پرداخت شود. به این ترتیب مجدداً فعالیت انجمن گویندگان فیلم آغاز شد.

## فراز و نشیب‌های دوبله

دوبله ایران در دهه ۴۰ نقاط اوج درخشانی داشت که به عصر طلایی دوبله معروف است. شهرت بعضی از دوبله‌ها در این زمان کم از شهرت ستاره‌های سینما نبود. صدای این ستاره‌های دوبله با چهره بازیگران مشهور سینمای ایران و جهان هماهنگ شده بود و این انطباق به قدری بود که اگر به عنوان مثال در فیلمی مرحوم ایرج دستار به جای «جان وین» حرف نمی‌زد، آن فیلم شکست تجاری می‌خورد و در سینماها هو می‌شد! اما از اواخر دهه ۴۰ بخصوص اوایل دهه ۵۰، به دلایلی شروع به افت کرد. البته گاهی کارهای خوب هم دیده می‌شد اما به پیروی از نزول فیلم‌ها و علل دیگر، دوبله نیز رو به افول گذاشت.

## علی کسمایی حق‌پدیری بر دوبله ایران دارد

ایشان آغاز کردند.

او ادامه می‌دهد: ایشان در دیالوگ‌نویسی حق بسیار بزرگی بر گردن دوبله ایران دارد. همیشه با تمام وجودش کار می‌کرد و گاه به مدت ۲۰ روز در یک فیلم کار می‌کردیم و ما که جوان‌تر بودیم، از این همه تکرار بی‌حوصله می‌شدیم. اما هر کاری که ایشان کرده در حد بسیار بالاست و اگر دوبلاژ ایران اسمی پیدا کرد، استاد کسمایی حق بسیار بزرگی در این امر دارد.

پدر دوبله ایران هم در مراسمی که به مناسبت نامگذاری استودیویی به نام او در انجمن گویندگان جوان حضور داشت با بیان این که در تمام عمرش همیشه با جوان‌ها کار کرده است، گفته بود: در رشته‌های مختلف در زندگی‌ام فعالیت داشته‌ام، ولی بیشترین شادابی و تلاش در طول عمرم همراه با جوان‌ها بوده است و امروز هم بسیار خوشحالم که باز در حضور شما جوان‌ها ایستاده‌ام و می‌توانم شادی سال‌های خود را در حضور شما ابراز کنم. اگر من کاری کردم به تنهایی نبوده و با همکاری جوان‌هایی بوده که در این راه به من کمک کرده‌اند و خوشحالم خدا عمری به من داد که بتوانم با سه نسل کار کنم و با افتخار بگویم جوان‌های ۲۰ سال پیش هم با من کار کردند و امروز افتخار دوبله ایران هستند.

منوچهر اسماعیلی - پیشکسوت دوبله - نیز در مراسم بزرگداشت علی کسمایی با اشاره به ویژگی‌های این استاد دوبله گفته بود: او در کارش بسیار دل می‌سوزاند. همان اندازه که در دیالوگ‌نویسی از واژگان نامنوس می‌گریخت، در انتخاب صداها نیز بسیار دقیق بود. او مرا وارد دنیای دوبله کرد. روحش شاد. امروز آمده‌ایم بگوییم استاد، دوبلاژ ایران مدیون توست.



مرتضی احمدی، جلال مقامی، فهیمه راستکار، مریم شیرزاد، زهره شکوفنده، شهلا ناظریان، منوچهر والی‌زاده، زرژ پطروس، کیکاوس‌یاکیده، سعید مظفری، منوچهر نودری، ژاله علو، ایرج ناظریان، حمید قبری، علی کسمایی، شوکت حجت، رفعت هاشم‌پور، مهین کسمایی، مینو غزنوی، خسرو خسروشاهی، چنگیز جلیوند، ژاله کاظمی، ناصر طهماسب و منوچهر اسماعیلی از جمله چهره‌های پیشکسوت دوبله ایران محسوب می‌شوند اما از مرحوم علی کسمایی به عنوان پدر دوبله ایران نام برده می‌شود.

کسمایی متولد ۱۲۹۴ و فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد از دانشگاه تهران است. او از سال ۱۳۲۹ فعالیتش را در زمینه دوبله آغاز کرد و برای نخستین بار سال ۱۳۳۳ به‌عنوان سرپرست گویندگان، فیلم شاهزاده روباهان را دوبله کرد. بسیاری از پیشکسوتان و فعالان دوبله از شاگردان مرحوم کسمایی هستند. او سریال‌های مطرح تلویزیونی مثل سربداران و هزارستان را دوبله کرده و دوبله فیلم‌هایی مثل دکتر ژبوگو، بانوی زیبای من، آوای موسیقی و هملت را در کارنامه کاری خود دارد.

این هنرمند دوبله پس از تحمل یک دوره بیماری طولانی ششم تیر ۱۳۹۱ در تهران درگذشت و مهمان قطعه هنرمندان بهشت‌زهره شد.

از ویژگی‌های علی کسمایی توجه به جوانان و جوانگرایی بود، به طوری که همین خصلت باعث شد نسل بعدی دوبله ایران زیر نظر این استاد وارد کار دوبله شود؛ غلامعلی افشاریه در این باره می‌گوید: به جوانگرایی اعتقاد داشت و من در کنار چیزهای بسیاری که از او یاد گرفتم، آموختم که باید به جوان‌ها توجه کرد. منوچهر والی‌زاده، بهروز وثوقی، حسین کسبیان، حسین معمارزاده و... کارشان را با



# امیر جلالی با «خاتون» در راه است

احسان رحیمزاده

مریم امیرجلالی این روزها در اصفهان به سر می‌برد و همراه با دیگران تلاش می‌کند تا سریال طنز «خاتون» را به آنتن ماه رمضان شبکه «شما» برساند. چند سالی است که این بازیگر را در نقش‌های فرعی و حاشیه‌ای دیده‌ایم؛ اما او در سریال جدیدش ایفاگر نقش اصلی بوده و حتی نام سریال هم بر مبنای شخصیت او انتخاب شده است. او ایفای نقش خاتون را در این سریال به عهده دارد؛ خاتون پیرزنی مهربان و ساده‌دل است که فریب دامادهايش را می‌خورد و خانه و کاشانه‌اش را از دست می‌دهد. نقش دو داماد او را مجید یاسر و شهرام قائدی بازی می‌کنند؛ این دو نفر از تهران و شیراز به اصفهان می‌آیند تا سر خاتون کلاه بگذارند و خانه‌اش را تصاحب کنند. خاتون ساده‌دل به امید خانه‌دار شدن دخترانش اجازه می‌دهد که دامادها خانه را بکوبند؛ اما این وسط خودش بی‌سرپناه می‌ماند و راهی خانه سالمندان می‌شود.

این خلاصه داستان نشان می‌دهد که مریم امیرجلالی در سریال «خاتون» در موقعیت‌های داستانی مختلفی قرار می‌گیرد. جالب است بدانید در ادامه داستان او صاحب پول و ثروتی بادآورده می‌شود و همین مساله داستان را به سمت و سوی دیگری سوق می‌دهد. مریم امیرجلالی بازیگر ثابت بسیاری از سریال‌های تلویزیونی است و در تمام طول سال در یکی از شبکه‌ها حضور دارد. آخرین بار او را در سریال نوروزی «روزهای بد به‌در» دیدیم. بی‌قرار و اولین انتخاب دیگر سریال‌هایی است که در چند ماه گذشته از این بازیگر روانه آنتن شده است.

مریم امیرجلالی با ۱۸ سریال در صدر جدول



مثلا در تله‌فیلم «دم صبح» نقش مادری را بازی کرد که فرزندش را می‌خواستند اعدام کنند. از این نقش‌های جدی چند مورد انگشت‌شمار در کارنامه امیرجلالی پیدا می‌شود اما وجه غالب بازی‌هایش همان زن عصبانی و پرسر و صدای سریال‌های کمدی است. آخرین سریالی که از او دیدیم «آخرین انتخاب» ساخته صباغ‌زاده بود که نقش عمه خانم را بازی می‌کرد. او بعد از بازی در این سریال اعتراف کرد که وقتی به گروه پیوسته فیلمنامه آماده نبوده و به این خاطر بازی‌اش خوب از آب در نیامده است. او در این باره گفت: «دیگر تعارف نخواهم داشت و تا فیلمنامه آماده نباشد کار را نخواهم پذیرفت».

این اعتراف نشان می‌دهد که امیرجلالی در پذیرش نقش‌هایش گاهی با تهیه‌کننده تعارف می‌کند و با لحاظ کردن دوستی و رفاقت مجبور به حضور در یک سریال می‌شود؛ البته بتازگی فعالیت‌های خوانندگی این بازیگر هم زیادتز شده و ممکن است او به همین خاطر تمایل کمتری به حضور در سریال‌های تلویزیونی داشته باشد. در سریال‌های رضا عطاران، مریم امیرجلالی و حمید لولایی به‌عنوان زن و شوهر در هنگام بازی بده و بستان خوبی داشتند و هر دو نفر خود را در نقش‌شان تثبیت کردند. حالا دیگر عادت کرده‌ایم که در سریال‌های طنز وقتی حمید لولایی را می‌بینیم سر و کله زوج هنری‌اش یعنی مریم امیرجلالی هم پیدا شود.

هتل، نوعروس، خودروی تهران ۱۱، پشت کنکوری‌ها، خانه به‌دوش، کارآگاه شمسی و مادام، دیوانه‌ای در شهر، ترش و شیرین، چهار چرخ، چار دیواری، چارخونه، رسم شیدایی و متهم گریخت دیگر سریال‌هایی است که این بازیگر در آنها نقش‌آفرینی کرده است. باید منتظر بمانیم و ببینیم مریم امیرجلالی در ماه رمضان در یک نقش محوری چگونه ظاهر می‌شود. سریال‌های شبکه شما از چند شبکه استانی پخش می‌شود و مخاطبان پرشماری را پای جعبه جادو می‌نشانند.

جعفرزاده اتفاق افتاد که او را به بهمن زرین پور برای سریال «زیر گنبد کبود» معرفی کرد.

با سریال‌های خانه به‌دوش و ترش و شیرین و بازی در نقش یک مادر غرغرو بین مردم محبوب شد. او زود جوش می‌آورد و از دست خرابکاری بچه‌هایش ناراحت می‌شد و همین عصبانیت ایجاد موقعیت‌های طنز می‌کرد. امیرجلالی بعدها بارها و بارها این نقش را تکرار کرد تا جایی که خودش هم از تکرار آن خسته شد. البته او سعی کرده که نقش‌های متفاوتی را هم بپذیرد.

پرکارترین بازیگران زن تلویزیون قرار می‌گیرد. نکته جالب درباره این بازیگر این است که او بازیگری را بسیار دیر شروع کرد و در مدت زمانی کمتر از ۲۰ سال از رقیبانش جلو افتاد. او در چهل و هفت سالگی بازیگری را آغاز و ثابت کرد ضرب‌المثل «ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است» واقعیت دارد. او پیش از بازیگری کارمند وزارت بازرگانی بود و مدتی هم در انتشارات خوارزمی به‌عنوان مدیرمالی مشغول به کار شد. ورودش به حرفه بازیگری از طریق همکاری‌های مینا

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده نوبت دوم**  
**شرکت فرآورده‌های غذایی به‌سیر دماوند به شماره ثبت ۵۰۷ تهران دماوند**  
 نظر به این که در جلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۹۲/۱۲/۲۰ که به دعوت نامه قبلی به عمل آمده بود حضور سهامداران محترم با نمایندگی قانونی آنان به حد نصاب لازم نرسید، لذا بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده که در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۹۳/۰۳/۲۵ در محل قانونی شرکت واقع در شهرک آئینه ورزشان دماوند - خیابان دوم عزیزی - پلاک ۵۱/۲ (جدید) تشکیل خواهد گردید. شرکت فرمائید.

**۵ کیلومتر بعد از نشتارود**  
 ویلا ۲ طبقه با کلیه امکانات رفاهی  
 به فروش می‌رسد.  
 ۰۲۶-۳۲۲۶۳۷۳۲  
 ۰۹۳۷۰۷۹۵۱۷۷

**کرج - جاده ملارد**  
**شهرک سیددشت**  
 ۳ قطعه زمین ۱۰۰۰ متری با سند تفکیک‌شده  
 دارای آب و برق - فروشی  
 رضایی ۰۹۱۲۷۶۰۹۸۶۹

**سئو خدمات**  
 ۱) بررسی مسائل جاری شرکت  
 ۲) انتخاب اعضای هیأت‌مدیره جدید با توجه به انقضاء مدت تصدی هیأت‌مدیره قبلی  
 ۳) تصمیم‌گیری در خصوص سیاست‌گذاری آینده شرکت  
 ۴) نقل و انتقال سهام و اعلام میزان تعداد سهام  
 ۵) تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت  
 ۶) انتخاب بازرسان یا بازرسان شرکت  
 ۷) طرح سایر موارد که در صلاحیت مجمع باشند

**پیش‌بینی کنید، جایزه بگیرید**  
**برنامه بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴**  
 تاریخ بازی‌ها: ۱۳۹۳/۰۴/۰۱

گروه	بازی	شماره بازی	برد	تساوی	معد پیامک (۵۵۵)
F	بجزیره - بوسنی	۴۹	برد بجزیره	برد بوسنی	۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳
H	بازیگ - روسیه	۳۰	برد بازیگ	برد روسیه	۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳
H	کره جنوبی - الجزیره	۳۱	برد کره جنوبی	برد الجزیره	۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳

ارسال عدد پیامک به شماره ۳۰۵۰۱۱۲۲۲ جهت شرکت در مسابقه روز دهم (یکشنبه ۹۳/۰۴/۰۱) تا یک روز قبل از برگزاری مسابقه مذکور.  
 اعلام اسامی ۳ برنده به قید قرعه در ضمانم جام جم؛ یک هفته پس از انجام بازی‌ها

**خدمت‌های دیگر از روزنامه جام جم**  
**درج آگهی با شرایط ویژه در صفحات ضمانم هفتگه**  
 همراه با مسابقه و پیش‌بینی نتایج فوتبال جام جهانی و اهداء جوایز  
 تلفن‌های پذیرش آگهی:  
 ۰۲۱-۸۸۳۳۸۳۳۴-۷      ۰۲۱-۴۲۷۲۱۱۰۱۴  
 ۰۲۱-۲۲۳۳۷۶۳-۳      (البرز) ۰۲۶-۳۲۲۱۰۸۶۰



# نیازمندی‌های ضامم بازار

**به تعدادی بازارباب با تجربه**  
جهت همکاری در دفتر روزنامه ترجیحاً ساکن شهرری یا حقوقی + پورسانت و پاداش نیازمندیم. علاقه‌مندان به همکاری با شماره‌های ذیل تماس حاصل نمایند.  
۵۵۹۷۲۶-۰۱-۴  
۰۹۱۲۱۴۳۷۳۷۸

**یک شرکت پختی بهتر**  
جهت تکمیل کار فروش خود در تهران و موبه به تعدادی بازارباب شهری و روستایی نیازمند است. دارای ۱۰۰۰ تن کتان سورپراسی

**به یک دکتر داروساز**  
جهت مسئول فنی کارخانه آرایشی- بهداشتی واقع در منطقه سلفچگان نیازمندیم  
۰۲۱-۷۷۶۱۳۳۷۵

**استخدام**  
به تعدادی آقا و خانم جهت کار در یک موسسه نیازمندیم (تهران- کرج و زنجان) حقوق ثابت + پورسانت  
۲۲-۵۲۶-۴

**سحافی بزوه**  
سحافی پایان نامه و کتب فقهی، طلا کوب - تابی و مرواریدی «در اسرع وقت»  
۰۸۱۱-۲۵۲۱۸۷۶

**فوتو تکثیر مهر داد**  
ترجمه متون، کلیه خدمات فنی، پایان نامه  
۰۳۶۲-۳۳۲۲۲۲۱

**فروش انواع کورگازی**  
آل جی، سامسونگ، اجنرال، میتسوبیسی، ایپورت و ...  
ارسال به تمام نقاط  
www.coker.it  
۰۹۱۸۲۲۲۰۸۰۰  
۰۹۱۸۵۲۲۰۸۰۰

**میل مرکزی**  
www.stobkemasackazi.com  
۷۷۵۳۳۳۳۳

**گروه تولیدی جوینده سازان باران**  
۰۹۳۸۳۳۳۳۳۱۹  
۰۹۳۸۹۶۰۱۴۶۰

**شرکت سپهر میل ایرانیان**  
۰۹۱۲۱۸۹۳۳۳۴۶  
۰۲۱-۵۶۳۹۰۳۰۵

**فروشگاه زنجیرهای هیس عارت**  
مجموعه مبلغان منزل  
۰۹۱۲۳۳۳۳۴۰۴

**خانه‌ای بدون حشرات و حیوانات موذی دانه بائید**  
۴۲۶۱۴۱۰۰

**نودوزی احسان**  
دوخت رو میش، چادرچتری، ملشین‌های سنگین  
۰۹۱۴۱۶۲۴۰۱۸

**تولیدکننده سبز سندی و تخت نظری**  
مقدم  
۰۹۱۲۸۱۰۲۰۰۳

**گروه تخصصی املاک ستاره الهی**  
اماره مستغلات فروش کتلتی تخصصی  
اطمینا، خدمات عالی

**مدیریت فروش**  
۰۹۱۲-۲۰۵۶۰۱۰  
۰۲۱-۲۲۰۵۶۰۱۰

**مجمع‌های مسکونی لوکس آریو**  
پیش فروش  
۶۵۳۳۹۰۶۰

**نگرود- اتالی ور**  
ویلا با زمین ۵۰۰۰ متر و ۲ قطعه زمین ۳۰۰۰ متری یک قطعه زمین ۱۵۰۰ متری کنار ساحل فروش  
۰۹۱۸۳۴۴۴۲۷

**اسپهان- برج آفتاب**  
آپارتمان ۱۵۲ متری با استخر، سونا، جکوزی و شوتینگ شبانه دوازدهم شهری فروش  
۰۹۱۳۳۳۳۳۳۳۳۳

**فوری- فروش**  
۴ واحد ۱۳۰ متری، هشتگرد جدید، طبقه ۳ جنوبی، ۳ خوابه، پارکینگ، انباری، آسانسور، درب ریموت‌دار و مدار بسته، آیفون تصویری، کف سرامیک  
۰۳۵۳۳۳۳۳۳۳۳۳

**یک فرست استانبلی**  
یک واحد آپارتمان نوساز ۱۰۰ متری، ۲ خوابه، واقع در اسپهان، خیابان امام خمینی  
قیمت ۲۰۰ میلیون تومان  
۰۹۱۳۳۶۰۲۴۹۲

**مسجد**  
قابل توجه اگر انترهای مسافرتی یک مجموعه آپارتمان ۹ واحدی جهت اجاره یا شراکت و گذار می‌شود  
۰۹۱۵۱۱۱۹۱۷۳

**لواصن - الوه**  
۲۰ واحد مسکونی ۱۸۰ متری + رستوران فعال یکجا + فروشی با معاوضه با آپارتمان فول امکانات  
۲۶۵۵۵۵۲۶-۴۷  
۲۶۵۵۵۵۴۹  
۰۹۱۲۲۲۷۶۷۲۲

**جزیره گیش سارینا ۲**  
فروش فوری ۲ غرفه در طبقه همکف ضروری  
در مرکز تجاری سارینا ۲

**یک قطعه زمین**  
مساحت ۳۷۷ متر، ۱۶ متر، شیبان ۳۰ متری، آب و باری، چاه مخصوص بردآورد  
۰۹۱۲۵۵۹۴۹۸۹۰۱۹  
۵۵۹۱۴۴۲۵

**فروش محمود آباد**  
یک باب دفتر کار، حتراف ۳۴ متر مربع، واقع در بانسیر  
۰۹۱۱۵۵۶۱۱۲  
۰۹۱۱۷۲۷۲۳۶۱

**لواصن بزرگ (روستای ایرا)**  
یک قطعه باغ ۵۰۰ متری دارای سند بهمانی و با وکالت معضری با نوال‌های حساسه  
۰۹۱۵۳۸۴۳۸۵۹

**ارومیه، ننگاب روستای گنبد**  
حدود ۹ هکتار باغ چنار سند کشاورزی  
۰۹۱۱۹۹۱۹۱۹۹  
۰۹۳۰۴۴۳۹۱۹۹

**فروش کارخانه کلبانگان**  
۲۸۰۰ متر زمین ۲۵۰ متر اداری، مسکونی، نگهبانی و بری ۲۰۰ کیلووات  
۰۹۱۹۳۱۸۷۸۰۰

**ارومیه - جاده امامزاده**  
باغ انگور دارای بری کشاورزی، چاه مجوز ساخت  
۰۹۱۳۲۲۲۲۲۲۶۰

**فروش زمین**  
برای ساخت ویلا با چشم انداز فوق العاده در سوادکوه مازندران از ۵۰۰ متر تا ۳۰۰۰ متر، قیمت فوری ۱۷۰/۰۰۰ تومان  
فروش فوری  
۰۹۱۸۳۲۷۰۲۵

**زمین**  
به مساحت ۱۲۵ متر، تجاری-مسکونی، بر شیبان اصلی به فروش می‌رسد اعتبارات آب، بری، گاز، سند مازندران- محمود آباد  
۰۹۳۵۲۸۶۸۳۲۸

**آمالشیر، شوک جیگلر**  
زمینی به مساحت ۲۳۰۰ متر مربع در یواری، سند تماماً مسکونی فول امکانات  
۰۹۱۲۷۳۵۱۳۸۶  
۰۳۶۸۶۲۷۱۹۵

**اسلامشهر**  
۱۲ هزار متر زمین دارای بهترین فعال  
۰۹۱۲۴۰۴۰۷۷۴

**یک قطعه زمین**  
مساحت ۳۷۷ متر، ۱۶ متر، شیبان ۳۰ متری، آب و باری، چاه مخصوص بردآورد  
۰۹۱۲۵۵۹۴۹۸۹۰۱۹  
۵۵۹۱۴۴۲۵

**خدمات سیم کشی ساختمان**  
یوسفی  
۰۹۳۰۹۱۷۴۱۷۰

**ایلان - عامل**  
زمین به مساحت ۷۰۰۰ متر  
۰۹۳۶۷۶۷۱۹۱۰

**فروش زمین**  
فروش چند قطعه زمین در حتراف‌های ۲۰۰-۵۰۰ متری در چاقوس و کنار پشت  
۰۹۱۱۹۹۱۹۱۹۹  
۰۹۳۰۴۴۳۹۱۹۹

**فروش کارخانه کلبانگان**  
۲۸۰۰ متر زمین ۲۵۰ متر اداری، مسکونی، نگهبانی و بری ۲۰۰ کیلووات  
۰۹۱۹۳۱۸۷۸۰۰

**ارومیه - جاده امامزاده**  
باغ انگور دارای بری کشاورزی، چاه مجوز ساخت  
۰۹۱۳۲۲۲۲۲۲۶۰

**فروش زمین**  
برای ساخت ویلا با چشم انداز فوق العاده در سوادکوه مازندران از ۵۰۰ متر تا ۳۰۰۰ متر، قیمت فوری ۱۷۰/۰۰۰ تومان  
فروش فوری  
۰۹۱۸۳۲۷۰۲۵

**زمین**  
به مساحت ۱۲۵ متر، تجاری-مسکونی، بر شیبان اصلی به فروش می‌رسد اعتبارات آب، بری، گاز، سند مازندران- محمود آباد  
۰۹۳۵۲۸۶۸۳۲۸

**آمالشیر، شوک جیگلر**  
زمینی به مساحت ۲۳۰۰ متر مربع در یواری، سند تماماً مسکونی فول امکانات  
۰۹۱۲۷۳۵۱۳۸۶  
۰۳۶۸۶۲۷۱۹۵

**اسلامشهر**  
۱۲ هزار متر زمین دارای بهترین فعال  
۰۹۱۲۴۰۴۰۷۷۴

**یک قطعه زمین**  
مساحت ۳۷۷ متر، ۱۶ متر، شیبان ۳۰ متری، آب و باری، چاه مخصوص بردآورد  
۰۹۱۲۵۵۹۴۹۸۹۰۱۹  
۵۵۹۱۴۴۲۵

**خدمات سیم کشی ساختمان**  
یوسفی  
۰۹۳۰۹۱۷۴۱۷۰

**ایلان - عامل**  
زمین به مساحت ۷۰۰۰ متر  
۰۹۳۶۷۶۷۱۹۱۰

**کالای بری طیان**  
تهیه و توزیع انواع لوازم بری منحصی فشار فوری و شفاف انواع سیم و کابل بری روشناسی فروش انواع آیفون‌های تصویری، درب‌های اتوماتیک دوربین‌های مدار بسته  
۰۹۱۲۶۱۱۱۵۱۹  
۰۲۱-۳۳۹۸۴۰۶۶

**فروش کارخانه کلبانگان**  
۲۸۰۰ متر زمین ۲۵۰ متر اداری، مسکونی، نگهبانی و بری ۲۰۰ کیلووات  
۰۹۱۹۳۱۸۷۸۰۰

**ارومیه - جاده امامزاده**  
باغ انگور دارای بری کشاورزی، چاه مجوز ساخت  
۰۹۱۳۲۲۲۲۲۲۶۰

**فروش زمین**  
برای ساخت ویلا با چشم انداز فوق العاده در سوادکوه مازندران از ۵۰۰ متر تا ۳۰۰۰ متر، قیمت فوری ۱۷۰/۰۰۰ تومان  
فروش فوری  
۰۹۱۸۳۲۷۰۲۵

**زمین**  
به مساحت ۱۲۵ متر، تجاری-مسکونی، بر شیبان اصلی به فروش می‌رسد اعتبارات آب، بری، گاز، سند مازندران- محمود آباد  
۰۹۳۵۲۸۶۸۳۲۸

**آمالشیر، شوک جیگلر**  
زمینی به مساحت ۲۳۰۰ متر مربع در یواری، سند تماماً مسکونی فول امکانات  
۰۹۱۲۷۳۵۱۳۸۶  
۰۳۶۸۶۲۷۱۹۵

**اسلامشهر**  
۱۲ هزار متر زمین دارای بهترین فعال  
۰۹۱۲۴۰۴۰۷۷۴

**یک قطعه زمین**  
مساحت ۳۷۷ متر، ۱۶ متر، شیبان ۳۰ متری، آب و باری، چاه مخصوص بردآورد  
۰۹۱۲۵۵۹۴۹۸۹۰۱۹  
۵۵۹۱۴۴۲۵

**خدمات سیم کشی ساختمان**  
یوسفی  
۰۹۳۰۹۱۷۴۱۷۰

**ایلان - عامل**  
زمین به مساحت ۷۰۰۰ متر  
۰۹۳۶۷۶۷۱۹۱۰

**فروشگاه ایران بدگ (کلرد)**  
لوازم بهداشتی اصلی چژ و ۳۰۰۰  
۰۸۱۱-۲۷۳۵۵۸۸  
۰۹۱۸۳۳۳۳۳۳۳۳

**انومیل کرانه گاندی**  
۰۲۱-۸۸۷۷۲۴۲۵  
۰۲۱-۸۸۷۸۲۰۲۲

**ارومیه - جاده امامزاده**  
باغ انگور دارای بری کشاورزی، چاه مجوز ساخت  
۰۹۱۳۲۲۲۲۲۲۶۰

**فروش زمین**  
برای ساخت ویلا با چشم انداز فوق العاده در سوادکوه مازندران از ۵۰۰ متر تا ۳۰۰۰ متر، قیمت فوری ۱۷۰/۰۰۰ تومان  
فروش فوری  
۰۹۱۸۳۲۷۰۲۵

**زمین**  
به مساحت ۱۲۵ متر، تجاری-مسکونی، بر شیبان اصلی به فروش می‌رسد اعتبارات آب، بری، گاز، سند مازندران- محمود آباد  
۰۹۳۵۲۸۶۸۳۲۸

**آمالشیر، شوک جیگلر**  
زمینی به مساحت ۲۳۰۰ متر مربع در یواری، سند تماماً مسکونی فول امکانات  
۰۹۱۲۷۳۵۱۳۸۶  
۰۳۶۸۶۲۷۱۹۵

**اسلامشهر**  
۱۲ هزار متر زمین دارای بهترین فعال  
۰۹۱۲۴۰۴۰۷۷۴

**یک قطعه زمین**  
مساحت ۳۷۷ متر، ۱۶ متر، شیبان ۳۰ متری، آب و باری، چاه مخصوص بردآورد  
۰۹۱۲۵۵۹۴۹۸۹۰۱۹  
۵۵۹۱۴۴۲۵

**خدمات سیم کشی ساختمان**  
یوسفی  
۰۹۳۰۹۱۷۴۱۷۰

**ایلان - عامل**  
زمین به مساحت ۷۰۰۰ متر  
۰۹۳۶۷۶۷۱۹۱۰

**عمل جراحی لازم نیست**  
معالجه دیسک کمر و سیاتیک  
۰۲۶-۳۳۳۰۸۶۲۶  
۰۹۳۲۹۱۵۰۹۵۹

**مرکز لنز ایران**  
لنز طبی - لنز رنگی  
مشاوره رایگان  
۸۸۹۱۸۳۳۱  
Iranlens.org

**شرکت مینگران طب پردیس مرند**  
۰۴۱۱-۴۲۶۵۰۷۱

**فروشگاه SIBO**  
۴۴۲۹۹۳۰  
۰۹۱۲۵۷۷۱۲۸۷

**فروشگاه شادی**  
عرضه‌کننده برندهای مطرح لوازم آرایشی و بهداشتی  
۰۸۱۱-۲۵۲۷۳۳۰

**عسقر و ادکلن مهدی**  
۰۹۳۳۲۹۵۳۸۶۶

**مرکز آموزش زبان‌های خارجی علامه طباطبائی**  
انگلیسی، فرانسه  
۸۸۷۸۲۱۵۸  
۸۸۸۹۴۳۵۰-۵۱

**آموزش انگلیسی، آلمانی، فرانسه**  
زبان فرانس را از کودکان می‌داند، شما متلمه انگلیسی را نیز می‌آموزید متلمه روزمره و تجاری  
۰۹۳۵۵۲۰۴۸۲۹

**آموزشگاه صبح دانش**  
پروژه دانشجویی + کنکور ICDE مدرک بین‌المللی کلیه مقاطع فقه کامپیوتر  
۴۴۲۳۳۲۰۵

**مدرسه فوتبال پاس نوین**  
ویژه شهریار، اندیشه، ملارد دارای مجوز هیات فوتبال تهران  
تیمار می‌نماید  
۰۹۱۲۲۱۸۱۳۱۸



## تلویزیون؛ خاطره جمعی و فوتبال

**یک:** جام جهانی فوتبال برای خیلی‌ها از پنجمین دوره آن در سال ۱۹۵۴ آغاز شد که در آن بازیکنان آلمان غربی جام را بالای سر بردند. ۲۴ سال پیش از آن، اروگوئه‌ای‌ها نخستین جام را بر گزارد کرده و در خانه قهرمان هم شده بودند. پس از آن تا پنجمین دوره، دو بار جنگ، مانع از جام بود تا «جنگ جهانی» گزاره غالب بر مستطیل‌های سبز باشد نه «جام جهانی». اما چرا آن ۲۴ سال هنوز که هنوز است چه در تاریخ‌نگاری‌های فوتبالی و چه در مفاهیمی که فوتبال می‌سازد، چندان اهمیتی ندارد؟ آن چهار دوره برگزاری و آن دو جام که فدای جنگ شد، کجای تاریخ گیم شده است؟ خاطره جمعی، تاریخ را تقویت می‌کند و این مفهوم با نقش رسانه بسیار تنیده است. آلمان‌ها این شانس را داشتند تا جامی را به خانه

می‌کشند و حق پخش را برای ملت‌شان نمی‌خرند. آنها می‌دانند هیچانی که فوتبال در سطح جهانی آن می‌تواند به بدنه یک جامعه وارد کند، با کمتر نسخه جایگزینی قابل جبران است، اما...

به همین دلیل در پرونده این شماره از «قاب کوچک» سراغی از جام جهانی و تلویزیون گرفته‌ایم. علاوه بر این که شبکه سه سیما همه فوتبال‌های جام جهانی برزیل را پخش خواهد کرد، دیگر شبکه‌های مختلف تلویزیونی نیز برنامه‌هایی برای این رویداد تدارک دیده‌اند. در این پرونده، گزارشی از چند و چون این برنامه‌ها فراهم آورده‌ایم و از پیمان یوسفی به عنوان تهیه‌کننده یکی از برنامه‌ها خواسته‌ایم از برنامه‌سازی تلویزیونی درباره جام جهانی بگویند. علاوه بر این، یکی از بازیگران سینما و تلویزیون از تجربه‌اش در گزارشگری فوتبال گفته است.

بازیکنانی که پیش از «پخش زنده» در جام‌های جهانی شگفتی‌آفرین بوده‌اند، بگوئیم، برای مخاطب جام جهانی تصویری معتبرتر است که او پای تلویزیون و به چشم خود دیده است؛ ضربه پنالتی‌ای که روبرتو باجو در جام ۹۴ زد یا ضربه سری که زین‌الدین زیدان در واپسین روز فوتبالی‌اش گذاشت توی سینه ماترا تزیی صحنه‌هایی بسیار زنده‌تر هستند برای مخاطب فارسی فوتبال تا جادوگری‌های پله در سال‌های دور. آیا عاملی جز پخش زنده تلویزیونی این تفاوت را بر ساخته است؟

**دو:** اهمیت پخش زنده مسابقاتی چون جام جهانی فوتبال بر کسی پوشیده نیست، با این حال هنوز هستند کشورهایی که شوق تماشا را در بینندگان تلویزیونی‌شان

برند که برای نخستین بار از طریق تلویزیون‌های مختلف برای میلیون‌ها بیننده تلویزیونی پخش می‌شد. آنها بخوبی می‌دانند که یکی از مهم‌ترین جام‌ها را برده‌اند، حتی اگر پیش از آن اتفاقات بسیار مهم‌تری در اروگوئه و برزیل و ایتالیا و فرانسه افتاده باشد. آنها بودند که برای نخستین بار در خاطره جمعی جهان فوتبال «ثبت» شدند. از این رو می‌توان گفت، تاریخ جام جهانی، تاریخ دوبخشی است؛ دو بخشی که تلویزیون آنها را از هم جدا کرده است. این اتفاق در ارتباط با مخاطب وطنی فوتبال هم صادق است؛ جام جهانی تا دهه ۹۰ میلادی در ذهن فوتبالیست ایرانی، مفهومی بسیار متفاوت دارد تا با تصویری که او پس از آن برای خودش ساخته است، هر قدر هم از پله و گارنیشا و

### نگار حسینیانی

و سوسه تماشای مسابقات جام جهانی، بلایی نیست که تنها به جان دوستداران فوتبال بیفتد. مهم‌ترین و جذاب‌ترین جشنواره ورزشی جهان، آن قدر رویداد فراگیری است که زن و مرد و کوچک و بزرگ نمی‌شناسد؛ چه علاقه‌مند فوتبال باشند چه نباشند. مثلاً همین خردامه که هر چهار سال یکبار کابوس شب‌های امتحان می‌شود، فقط کابوس فوتبال‌بازهای شب امتحانی نیست، حتی آنها که فوتبالی نیستند تب جام جهانی، از کتاب و جزوه دورشان می‌کند و جلوی قاب کوچک تلویزیون می‌خکوب می‌کند. با این اوصاف تصور کنید در کشوری زندگی می‌کردید که تلویزیونش حق پخش مسابقات را نخریده بود و شما در حسرت تماشای بازی‌ها می‌ماندید. اما صدا و سیما ایران همواره این دغدغه فوتبال‌دوستان را مرتفع کرده و همه فوتبال‌ها را با هزینه‌ای بالا خریده است. البته برنامه‌های صداوسیما در روزهای برگزاری جام جهانی فوتبال برزیل تنها به پخش مسابقات خلاصه نمی‌شود. چند شبکه تصمیم دارند ویژه‌برنامه‌های مختلفی را به این مناسبت تهیه و پخش کنند. در این گزارش به برنامه‌های سیما برای جام جهانی پرداخته و این ویژه‌برنامه‌ها را از نظر خواهیم گذراند.

### عادل و انحصار پخش بازی‌ها از شبکه ۳

شبکه سوم به عنوان با سابقه‌ترین شبکه سیما در پخش و کارشناسی مسابقات ورزشی، این بار نیز گوی سبقت را در پخش مهم‌ترین مسابقات جهان از شبکه‌های دیگر برده است. حتی این بار که رقیب سرسختی چون شبکه ورزش داشت که شبکه اختصاصی سیما در این بخش محسوب می‌شود، این شبکه سه بود که توانست بنا بر قدمتش مچ شبکه ورزشی‌ها را بخواباند. دلیل این پیروزی هم بسیار روشن بود؛ شبکه ورزش هنوز شبکه‌ای سراسری به معنای دریافت فرکانس بدون استفاده از ماهواره دیجیتال محسوب نمی‌شود و با پخش بازی‌ها در این شبکه، بسیاری از فوتبال‌دوستان از دیدن مسابقات محروم می‌شدند. این بود که مدیران سیما تصمیم گرفتند این بازی‌ها از شبکه ۳ سیما و در قالب ویژه‌برنامه‌ای پخش شود تا همه بتوانند بازی‌ها را تماشا کنند. در این بین هیچ دور از ذهن نیز نبود که عادل فردوسی‌پور که از نگاه مردمی مجری ورزشی محبوب سیما در ۲۰ سال اخیر بوده است، برای ساخت و اجرای این برنامه انتخاب شود. فردوسی‌پور که بتازگی با برنامه «فوتبال ۱۲۰» اش حال و هوای تازه‌ای به «شبکه ورزش» داده بود، با همان گروه مشغول به ساخت ویژه‌برنامه متفاوتی برای جام جهانی در شبکه سوم سیما شد و آن برنامه تا روزهای پایانی جام به حالت تعلیق درآمد. ویژه‌برنامه مجری محبوب برنامه نود که هنوز نامش اعلام نشده است، قرار است با مجری‌گری او، رضا جاودانی و محمدحسین میثاقی پخش شود و از نوزده یا بیستم خرداد، سه، چهار روز پیش از آغاز مسابقات جام جهانی کار خود را آغاز خواهد کرد و از بامداد بیست و سوم خرداد به پخش مراسم افتتاحیه و بازی‌ها می‌پردازد.

## برنامه‌های شبکه‌های مختلف سیما برای جام جهانی

# تب داغ

## در جعبه جادو

می‌گویند که برازوکایی‌ها در فکرند تا برنامه را در روزهای برگزاری جام جهانی نیز ادامه دهند. شاید بتوان گفت شبکه تخصصی ورزش سیما اولین شبکه‌ای بود که تولید برنامه مربوط به جام جهانی را آغاز کرد. در این برنامه مهدی توتونچی و پژمان نجات‌پور مجریان برنامه همراه چهار خبرنگار که مهمانان «برازوکا» هستند، اخبار جام جهانی را بازخوانی می‌کنند. برازوکا به جز بر مرور اخبار به تیم‌های شرکت‌کننده و حواشی بازی‌های تدارکاتی جام جهانی نیز پرداخته خواهد شد و گزارش‌های مردمی، عکس‌ها و ویدئوهای مربوط به جام جهانی نیز نشان داده می‌شوند. جالب آن است که میرزایی و یوسفی تصمیم گرفته‌اند به شکلی متفاوت این بار از اهالی رسانه و روزنامه‌نگاران این حوزه به عنوان مهمانان برنامه‌شان استفاده کنند. چنانچه یوسفی نیز می‌گوید رویکرد این برنامه به جام جهانی خبری است و در این برنامه سعی می‌شود همه اخبار مهم مربوط به جام رصد و ارائه شوند.

### شبکه مستند و جام برای ۷۰ ساله‌ها

فکر نکند که تنها در شبکه ورزش و دیگر شبکه‌های عمومی سازمان می‌توانید پیگیر جام جهانی باشید. شبکه «مستند» یکی از این شبکه‌هاست که جام جهانی را سوژه خود کرده است. سری هشتم برنامه «مثبت هفتاد» به تهیه‌کنندگی محمدعلی مبهمانی نام برنامه ویژه این شبکه در رابطه با جام جهانی است. این ویژه‌برنامه سراغ پیشکسوتان فوتبال و ورزشکارانی چون غفور جهانی و حاج‌بابایی رفته تا خاطرات آنها را از دوره‌های مختلف جام جهانی و لزوم حمایت از تیم ملی فوتبال ایران به تصویر بکشد. «مثبت هفتاد» به انعکاس خاطرات سالمندان در ارتباط با گذشته نیز می‌پردازد و روایت‌های جذابی را از گذشته، آداب و رسوم قدیم شهرها و نوع ارتباطات مردمی بیان می‌کند. این برنامه لحظات شیرین گذشته در مقایسه با رسوم به‌جامانده امروزی است. در سری جدید این برنامه علاوه بر به تصویر کشیدن زندگی هفتاد ساله‌هایی که سبک زندگی خاصی دارند افراد شناخته شده ورزش نیز از خاطرات ۷۰ سال زندگی خود می‌گویند.

با آغاز جام در این شبکه هر روز ساعت ۱۶ به مدت ۴۵ دقیقه برنامه‌ای با محوریت مروری بر جام جهانی به بررسی تیم‌های راه‌یافته به جام جهانی خواهد پرداخت. این ویژه‌برنامه وظیفه معرفی ویژگی‌ها و تاریخچه تیم‌های حاضر در جام را عهده‌دار شده است. البته علاوه بر این ویژه‌برنامه، شبکه یک با «ورزش و مردم» قدیمی‌ترین برنامه ورزشی تلویزیون، با اجرای بهرام شفیع نیز روزهای جمعه به بررسی گزیده‌هایی از مسابقات خواهد پرداخت.

### هنر و فوتبال در شبکه تهران

یکی از راه‌های جذاب‌تر کردن برنامه‌های تلویزیونی این است که برای پرداختن به موضوعی تخصصی سراغ چهره‌های عمومی‌تر برویم. برنامه‌های ترکیبی در مدل برنامه‌سازی تلویزیونی به درد همین مواقع می‌خورد. شبکه تهرانی‌ها هم برای این که مخاطبان غیرفوتبالی را با جام جهانی همراه کند در برنامه‌ای با عنوان «زاویه» به گپ و گفتی صمیمی با هنرمندان در این باره خواهد پرداخت. آیتم «خودمانی» از برنامه زاویه به این امر اختصاص یافته است. علاوه بر استفاده از این مدل برنامه‌سازی «زاویه» که کار خود را از نوزدهم اردیبهشت آغاز کرده و در برنامه نخست به‌صورت ویژه به مسابقات فوتبال جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل پرداخته است دوره‌های پیشین جام را مرور می‌کند و در این مسیر از کارشناسان برتر فوتبال کمک می‌گیرد. کارشناسان در این برنامه علاوه بر مرور دوره‌های پیشین به بررسی وضع تیم ملی فوتبال ایران و دیگر تیم‌های حاضر در بیستمین دوره جام می‌پردازد. این برنامه به تهیه‌کنندگی شهرام نسترین‌راد و اجرای بیژن خراسانی و مهدی واعظی چهارشنبه و جمعه شب‌ها هر هفته ساعت ۲۰ روی آنتن سیماست.

### شبکه ورزش به تماشای رنگ‌های امید

شبکه ورزش، مادر این بین، با پخش برنامه «برازوکا» به استقبال جام جهانی رفته است. این برنامه که به نام توپ این دوره بازی‌ها نامگذاری شده به تهیه‌کنندگی دو مجری ورزشی؛ پیمان یوسفی و مزدک میرزایی قرار است تا شروع بازی‌ها روی آنتن باشد هرچند پیمان یوسفی در گفت‌وگو با قاب کوچک که مشروح آن را در این پرونده می‌خوانید

### شبکه دویی‌های تحلیل محور

جدای از شبکه سه که بازی‌ها را پخش خواهد کرد، این شبکه دو است که با برنامه محبوب «ورزش از نگاه دو» میزبان مخاطبان فوتبال خواهد بود. ورزش از نگاه دو در سالی که گذشت و در یکی دو ماهی که از امسال گذشته توانسته مخاطبان خاص خود را پیدا کند؛ این اقبال جدای از ویژه‌برنامه‌هایی که این برنامه با دعوت از لوتار ماتیوس، ستاره سابق تیم ملی آلمان ترتیب داد، به تهیه‌برنامه‌ای در زیر مجموعه خود با عنوان «برای ما هیچ خطی قرمز نیست» هم مربوط می‌شود؛ برنامه‌ای که پشت پرده بسیاری از اتفاقات ورزش را بر ملا کرده و در گفت‌وگو با مهمان‌هایش هم بسیاری از خط‌قرمزهای معمول را کنار گذاشته است. اما «ورزش از نگاه دو» بی‌ها برای جام جهانی چه کرده‌اند و چه خواهند کرد؟ «همراه با تیم ملی تا جام جهانی» نام برنامه‌ای است که از روزهای پنجشنبه و جمعه هجده و نوزدهم اردیبهشت، آغاز به کار کرده. این برنامه که با اجرای میثم زمان‌آبادی و پیمان یوسفی همراه است، در برنامه نخست به بررسی وضع دروازه‌بان‌های تیم ملی در قیاس با تیم‌های بوسنی، آرژانتین و نیجریه پرداخت و هفته بعد خط دفاع تیم ملی را در برابر همگروهی‌هایش مورد بررسی قرار داد. حالا هم ابوالفضل اکبری تهیه‌کننده برنامه می‌گوید قرار است در هفته‌های آتی به هافبک‌ها و فوروارد‌های تیم ایران و سه تیم هم‌گروهی‌اش در جام جهانی ۲۰۱۴ پرداخته شود.

ورزش از نگاه دو را می‌توانید پنجشنبه‌ها از ساعت ۲۳ و ۴۵ دقیقه و جمعه‌ها از ساعت ۲۱ پیگیری کنید. این طور که به نظر می‌رسد، شبکه دو بار تحلیلی جام را بر دوش می‌کشد. اگر شبکه سه پخش بازی‌ها را عهده‌دار شده و شبکه ورزش این شب‌ها به اخبار جام جهانی می‌پردازد، شبکه دو رویکردی تحلیلی به فوتبال و تیم ملی فوتبال کشورمان دارد و نکات فنی تیم را در مقایسه با دیگر تیم‌های هم‌گروهی‌اش در پیش گرفته است؛ نکاتی که علاقه‌مندان بشدت تشنه شنیدن درباره آنها هستند.

### قدیمی‌ترین برنامه ورزشی سیما همراه با جام

شبکه یک هم در تولید ویژه‌برنامه‌ای برای جام جهانی از دیگر شبکه‌ها عقب نیفتاده است. همزمان



# اخبار جام در «برازو کا»

پیمان یوسفی از برنامه‌ای می‌گوید که این شب‌ها روی آنتن شبکه ورزش می‌فرستد



کاری که برای برازوکا کرده‌اید در چیست؟ تفاوت بسیار است. در آن برنامه‌ها ما بازه زمانی طولانی‌تری را در نظر می‌گرفتیم، مثل یک فصل از مسابقات داخلی اما در اینجا با مدت زمانی کوتاه به رویدادی بسیار مهم‌تر می‌پردازیم. در برازوکا، بعد اطلاع‌رسانی و رویکرد خبری برای ما بسیار مهم است در حالی که در برنامه‌های پیشین وجوه دیگری برجسته بود.

چگونه سراغ این اخبار می‌روید؟ کار ما در این برنامه رصد اخبار مربوط به جام جهانی است. هم اخبار متن آن و هم خبرهایی که حواشی آن اتفاق می‌افتد. قاعدتا اخباری را پیگیری می‌کنیم و روی آنها مانور می‌دهیم که در دیگر رسانه‌ها کمتر قرار است به آنها پرداخته شود. به دلیل اتخاذ رویکردی خبری در برنامه است که سراغ خبرنگارها رفته‌اید؟ ظاهرا هر شب چهار خبرنگار ورزشی نویس در برنامه حضور دارند... دقیقا. دوستان خبرنگار ما به فراخور حرفه‌شان صبح تا شب کارشان رصد اخبار و جستجو بین رسانه‌های ورزشی جهان است. در این روزهای نزدیک به برگزاری

قرار است تا چند روز دیگر بزرگان فوتبال جهان بزنند زیرش! البته همه‌شان که نه. مثلا اسپانیایی‌ها اصلا اعتقاد ندارند که باید آن را از روی زمین بلند کرد و همچنان و پس از مرگ تلویحی تیکی تاکا (بنا بر بازی‌های نامیدکننده سردمداران آن یعنی بارسلونا و بایرن مونیخ) معتقدند باید آن را صرفا روی زمین چرخاند. برازوکا را می‌گوییم؛ تویی که قرار است در بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل مورد استفاده قرار بگیرد. برای برزیلی‌ها برازوکا یادآور امید و آرزوهای سرزمینشان است؛ نوارهای طراحی شده روی این توپ هم، نماد دستبندهای رنگی آرزوست که مردم در برزیل بر دست می‌بندند.

اما برازوکا فقط نام توپ جام جهانی برزیل نیست، بلکه عنوان برنامه‌ای از شبکه ورزش است که پیمان یوسفی و مزدک میرزایی آن را تهیه کرده‌اند. این برنامه که هر شب از ساعت ۲۱ پخش می‌شود، اخبار مختلف مربوط به جام جهانی را مرور می‌کند. پیمان یوسفی، گزارشگر خوش‌ذوق در گفت‌وگو با قاب کوچک از چند و چون تولید و پخش برازوکا در شبکه ورزش گفته است. او علاوه بر حرف‌هایی که درباره این برنامه ویژه جام جهانی می‌زند، درباره پیش‌بینی‌اش از بازی‌های تیم ملی فوتبال ایران کمی بدبین به نظر می‌رسد؛ البته یوسفی اظهار نظرش را مبتنی بر بدبینی نمی‌داند و می‌گوید نگاهش به این ماجرا واقع‌بینانه است.

برازوکا نام تویی است که قرار است در جام جهانی برزیل از آن استفاده شود. نام برنامه‌ای که شما و مزدک میرزایی برای شبکه ورزش تدارک دیده‌اید هم همین است. می‌گویند مهم‌ترین ویژگی این توپ‌ها امکان بالایی است که در حفظ تعادل و کنترل برای بازیکنان ایجاد می‌کند. با توجه به این ویژگی‌ها بود که اسم برنامه را برازوکا گذاشتید؟

ما به این ویژگی‌ها و مناسبتی که می‌تواند با برنامه داشته باشد چندان فکر نکردیم. تصور کردیم نام برنامه باید مستقیما ارتباطی با جام جهانی داشته باشد و نام توپ این مسابقات می‌توانست چنین وجهی داشته باشد. از طرفی فکر می‌کنم اسم منحصر به فرد و مناسبتی است.

شما و مزدک میرزایی پیش از این برنامه‌هایی چون «میدان» و «لیگ برتر» را برای شبکه ورزش تهیه کرده‌اید و حالا برنامه‌ای مناسبتی برای جام جهانی روی آنتن می‌برید. تفاوت‌های آن نوع برنامه‌سازی با

البته تمهیداتی برای ادامه پخش برنامه برازوکا در روزهای برگزاری جام اندیشیده‌ایم. چه تمهیداتی؟ برنامه روزهای برگزاری جام با برنامه این روزها چه تفاوتی خواهد داشت؟ تغییری که حتما رخ خواهد داد در ساعت پخش برنامه است. زمان برگزاری و پخش برخی بازی‌ها با زمان پخش ما تداخل دارد که قاعدتا باید زمان پخش را عوض کنیم. در رویکرد خبری‌مان هم تغییراتی خواهیم داد. اغلب شبکه‌های سازمان ویژه برنامه‌هایی را برای جام جهانی تدارک دیده‌اند. برازوکا چه ویژگی‌هایی نسبت به آنها دارد؟ به عبارت دیگر شما به عنوان تهیه‌کننده برنامه فکر می‌کنید مخاطبان فوتبال به چه دلیل باید از بین این برنامه‌ها، برنامه شما را انتخاب کنند؟

تفاوت عمده برازوکا با دیگر برنامه‌ها روزپخش بودن و به این فراخور، رویکرد خبری آن است. ما هر روز خبرها را به مخاطبانمان می‌رسانیم. از این رو برازوکا ریتم و سرعت تندی دارد و داغ داغ به سمع و نظر بینندگان می‌رسد. سرعت اطلاع‌رسانی، مهم‌ترین ویژگی برازوکا می‌تواند باشد؛ هدفی که با خبرنگاران برنامه سعی می‌کنیم به آن برسیم. از سوی دیگر ما سراغ خبرهایی می‌رویم که حدس می‌زنیم دیگران کمتر به آنها خواهند پرداخت.

با برنامه عادل فردوسی‌پور در شبکه سه همکاری خواهید کرد؟

هنوز مشخص نیست. به تشخیص دوستان بستگی دارد. اگر قرار بر همکاری باشد در خدمتیم. پیش‌بینی‌تان از نحوه عملکرد تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی چیست؟ فکر می‌کنم نباید در انتظار نتایج خارق‌العاده باشیم. سه بازی خوب و باکیفیت می‌تواند برای ما راضی‌کننده باشد. حالا اگر در این میان اتفاقی هم بیفتد و مثلا یک مساوی هم گرفتیم خوشحال خواهیم بود.

الان این نظر شما واقع‌بینانه است یا بدبینانه؟ به نظرم واقع‌بینانه است.

یعنی تصور شما این است که ما یک مساوی می‌گیریم و با همین باید راضی باشیم؟ من نگفتم ما یک مساوی می‌گیریم؛ گفتم حالا آمدیم و یک مساوی هم کسب کردیم! باید خوشحال باشیم چون فکر می‌کنم کسب این نتیجه فرع بر قضیه است. مهم این است که ما سه بازی باکیفیت انجام دهیم. حالا اگر نتیجه هم گرفتیم در حد همان یک مساوی باید راضی و خوشحال باشیم.

## گزارشگری فوتبال را دوست دارم

وقتی بهنوش بختیاری گزارشگر فوتبال می‌شود



را به‌روز کند، باید روی بیان خودش هم کار کند. در ایام نوروز، مسابقه‌ای از تلویزیون پخش می‌شد با نام «آقای گزارشگر». این برنامه را دنبال می‌کردید؟ نه متاسفانه فرصت نکردم تماشا کنم. در این مسابقه گزارشگران آماتور با هم رقابت می‌کردند و طی آیتیم‌های مختلف به گزارش بازی، شرکت در پرسش و پاسخ درباره اطلاعات فوتبالی و... می‌پرداختند. اگر از شما دعوت می‌شد در این مسابقه شرکت کنید، به رقابت با دیگر گزارشگران می‌رفتید؟

چه برنامه جالبی بوده ظاهرا، اما من معتقدم هر کسی را بهر کاری ساخته‌اند و بهتر است هر کس در تخصص خودش کار و ادعا کند. حقیقتا باید گفت گزارشگران حرفه‌ای ما برای این که جایگاه امروزی خود را پیدا کنند، در همان حیطه خودشان زحمت کشیده‌اند و از جایی دیگر به آن نرسیده‌اند. بدم نمی‌آید در این مسابقه شرکت کنم و از آنجا که این کار را خیلی دوست دارم، منتها فکرش را نکنید من به اندازه یک سرانگشت هم بتوانم جای مزدک میرزایی یا عادل فردوسی‌پور یا جواد خیابانی باشم!

این روزها مشغول چه کاری هستید؟ این روزها کلا وقتم را شبکه «نسیم» که بتازگی رسما فعالیتش را آغاز کرده و شبکه طنز محسوب می‌شود، گرفته است. برای این شبکه برنامه‌ای می‌سازیم که کار اصلی‌اش استعدادیابی است؛ در این برنامه استعدادها را نوجوان می‌آیند و در آیتیم‌های مختلف شرکت می‌کنند. این استعدادیابی شامل موارد گوناگون است که اتفاقا فوتبال هم یکی از آنهاست. شما چه کار می‌کنید برای این مسابقه؟ من مجری و داور مسابقه هستم.

زحمت کشیده، عرق ریخته و مطالعه کرده‌اند، آن وقت من بیایم گزارش کنم؟ آن هم در بازی‌های مهم جام جهانی؟ شوخی می‌کنید؟ واقعا گزارشگری فوتبال کاری بسیار تخصصی است. من فقط به این کار علاقه‌مندم و اصلا نمی‌توانم خودم را با آنها مقایسه کنم و پا جای پای آنها بگذارم. خوب شما که قبلا این کار را کرده‌اید و اسمتان به‌عنوان گزارشگر فوتبال هم مطرح شده است. آن گزارشگری که شما می‌گویید مسلما با کار این عزیزان کارکشته بسیار متفاوت بود. گزارشگری که من انجام دادم برای یک بازی در PS بود و چندان حرفه‌ای به حساب نمی‌آمد. آن بازی یک انیمیشن بود و گزارش برای آدم‌هایی که واقعی نبودند و کارتون بودند. نه این که کار ساده‌ای بود، اما قابل مقایسه با کار گزارشگران حرفه‌ای نیست. با این حال آن قدر این کار را دوست دارم که اگر پیشنهاد شود، می‌پذیرم.

یک گزارشگر حرفه‌ای فوتبال به چه امکاناتی باید مجهز باشد که شما نیستید؟ یک گزارشگر فوتبال، تمام زندگی‌اش فوتبال است. فوتبال‌های مختلف دنیا را می‌بیند و پیگیری می‌کند. درباره علم فوتبال مطالعه و معلومات کسب می‌کند و از سوی دیگر علاوه بر این که یک گزارشگر هر روز باید اطلاعاتش

بهنوش بختیاری اولین گزارشگر زن در ایران است! این را ما نمی‌گوییم، اگر همین جمله را در اینترنت جستجو کنید، می‌بینید که این ادعا در جاهای مختلفی مطرح شده. داستان باز می‌گردد به سال گذشته؛ وقتی که مخاطبان بازی پورفردار «لیگ برتر» که هر سال آن را با گزارش عادل فردوسی‌پور تهیه می‌کرده و اسیرش می‌شدند، نام بهنوش بختیاری را به عنوان گزارشگر آن دیدند. البته حالا بهنوش بختیاری به قاب کوچک می‌گوید آن گزارشگری را نباید زیاد جدی گرفت چون صرفا برای یک بازی انیمیشنی بوده و نه حرفه‌ای. در پرونده ویژه برنامه‌های صدا و سیما برای جام جهانی برزیل سراغ بختیاری رفتیم تا از او بپرسیم وقتی قبلا جای عادل فردوسی‌پور را گرفته، دوست داشته برای گزارش بازی‌های جام جهانی این بار جای مزدک میرزایی را بگیرد و به جای او به برزیل برود؟ بختیاری همچنین خبر می‌دهد که این روزها مشغول ضبط برنامه‌ای است که در آن قرار است استعدادیابی شود. این برنامه برای شبکه نسیم ساخته می‌شود و بختیاری مجری و داور آن خواهد بود.

خانم بختیاری شما ظاهرا به گزارشگری فوتبال خیلی علاقه دارید. درست است؟

بله، این کار را خیلی دوست دارم همان‌طور که فوتبال را دوست دارم. یعنی اگر شما به جای مزدک میرزایی به عنوان گزارشگر بازی‌های جام جهانی انتخاب می‌شدید، برای گزارش بازی‌ها به برزیل می‌رفتید؟ من؟ نه! ایشان و همه گزارشگران فوتبال کلی برای کارشان







نگاهی به مجموعه راه شیری که از شبکه ۲ سیمما پخش شد

# درخشش ستاره‌های کم اقبال

مریم‌رها

راه شیری، عنوان مجموعه‌ای است که پخش آن از شبکه دو سیمما هفته پیش به پایان رسید. تولید این مجموعه از اواخر سال ۸۷ آغاز شد و قرار بود در ۱۳ اپیزود ساخته شود، اما بعدها به دلیل تغییر و تحولات پیش آمده در سازمان بهزیستی که حامی این مجموعه بود فقط چهار اپیزود از آن در ۲۴ قسمت تولید شد که شامل اپیزودهای پسر، خط روی خط و تحقیر و خلسه بود. تهیه‌کنندگی همه این چهار اپیزود را رامین عباسی‌زاده به عهده داشت و هر اپیزود را هم یک کارگردان ساخته بود. فیلمنامه این مجموعه از سوی نویسندگانی همچون امید سهرابی، حسن محمودی و بهزاد مرتضوی به سرپرستی احمد رفیع‌زاده نوشته شده بود، هر یک از اپیزودهای این مجموعه با این که روایتگر داستان‌هایی مستقل بود، اما این داستان‌ها در مقطعی به هم ارتباط پیدا می‌کرد. در این نوشته نگاه کوتاهی به هر اپیزود این مجموعه انداخته شده است:

## «پسر»

این اپیزود به کارگردانی سامان مقدم و نویسندگی امید سهرابی قصه زندگی جوانی را روایت می‌کند که از کانون اصلاح و تربیت مرخص شده و به دنبال هویت گمشده‌اش می‌گردد. نقش پدر در این اپیزود را همایون ارشادی بازی می‌کند و نقش مادر به عهده سپیده اعلایی است. در این اپیزود کانون اصلاح و تربیت برای مجرمان نابالغ به مثابه رحم مادر است، به این معنی که مجرم تا وقتی در آنجا زیست می‌کند در امنیت و آرامش به سر می‌برد، اما به محض خارج شدن از آنجا خطرات بی‌شماری در انتظار اوست، به همین دلیل این نوجوان‌ها پس از خروج از آنجا اگر مورد حمایت قرار نگیرند، بسیار شکننده و آسیب‌پذیر خواهند بود. اپیزود پسر ریتمی کند دارد که این کندی برآمده از تجربه حسی لحظات و امکانات جهانی نوین است. همان‌طور که وقتی از تاریکی وارد فضای نورانی می‌شویم اگر چشم را بی‌درنگ باز کنیم، حتما آزارنده خواهد بود. اپیزود پسر نیز بدرستی با ریتمی کند، داستان خود را پیش می‌برد. فیلم گرچه از ابتدا به سمت پایانی شاد در حرکت است، اما با فضایی سرد، شخصیت اصلی خود را همراهی می‌کند تا پایان شاد و امیدبخش فیلم از نظر گاه‌پسری دیده شود که قربانی بی‌عدالتی‌های اجتماع و بی‌تفاوتی‌های خانواده شده است و با این هوشمندی کلیت فیلم را از تصنع و ساختگی بودن در امان نگاه دارد.

## «خط روی خط»

خط رو خط، اپیزود دیگری از این مجموعه به کارگردانی

مونا زندگی است. زندگی با همکاری آزاد جعفریان فیلمنامه این اپیزود را نوشته و جمشید مشایخی، کتابون امیرابراهیمی، رویا جاویدنیا، ایرج شهزادی، نونا زندگی، طوفان مهردادیان و رضا فیاضی از بازیگران این اپیزود هستند. داستان این اپیزود از جایی آغاز می‌شود که موبایل والدین دو کودک در مهد کودک باهم عوض می‌شود و این جابه‌جایی برای هر دو طرف سوءتفاهم‌هایی را به وجود می‌آورد. پدر و مادر یکی از این بچه‌ها در حال سپری کردن یک جدایی موقتی به‌عنوان پیش درآمدی بر جدایی نهایی هستند. پدر و مادر دیگری زندگی مرفه و شیرینی دارند، اما در نهایت ریشه این دو خانواده آن قدر سست است که کوچک‌ترین تلنگری می‌تواند هر دو خانواده را از هم بپاشد و این تلنگر همان اطلاعاتی است که به خطا از گوشی‌های جابه‌جا شده به دست می‌آوردند. این اپیزود برخلاف اپیزود قبل پویاست و گرچه در داستان کنش و واکنش‌های پیاپی شکل نمی‌گیرد، اما تمپوی درونی آن تند است و بازی‌های روان و باورپذیر بازیگران کمک زیادی به پویایی کلی فیلم کرده است.

## «تحقیر»

اپیزود تحقیر درباره نویسنده‌ای به نام فرهاد راسخ است که در زندگی مشترکش با همسرش دچار مشکل شده و در موقعیت حساسی از زندگی زوج دیگری قرار گرفته است. او مجبور می‌شود وارد بازی خطرناکی شود. تحقیر، روایت متفاوتی نسبت به دو اپیزود دیگر دارد، شخصیت اصلی این اپیزود یعنی علی قربانزاده راوی داستان است و داستان را از جایی شروع می‌کند که چند ساعتی با مرگ فاصله دارد و بعد از مرگ نیز باز هم راوی خود اوست، گویی چشم بصیرت یافته است و قدرتی برتر از دوره حیاتش.

اما اشتباه فیلمنامه از آنجا آغاز می‌شود که راوی مرحوم روایت را به چند روز پیش برمی‌گرداند، آنجا که تصمیم گرفته داستانی تلخ بنویسد. مخاطب در این بازگشت داستانی پی می‌برد که آنچه تاکنون دیده و دریافت کرده داستانی است که شخصیت نویسنده فیلم، نوشته است. همان‌طور که گفته شد در واقع دو فیلم در یک فیلم روایت می‌شود، اما این داستان‌ها به موازات هم پیش نمی‌روند و داستان دوم حکم غافلگیری دارد که از قبل برای آن کاشته‌هایی در فیلمنامه در نظر گرفته نشده است. این نوع سورپرایز که بدون کاشته‌های داستانی اتفاق می‌افتد به نوعی در خاطر مخاطب آزارنده است، چراکه به او تصور فریب خوردن دست می‌دهد.

این اپیزود که ادعای روایت مدرن دارد و احتمالاً قصد داشته با میزانشن‌های عجیب و غریب فضایی رئال با کاشت‌های سوررئال ایجاد کند، نتوانسته در این زمینه به هدف خود برسد. از آن گذشته میزانشن‌های اثر بسیار تئاتری است.

## «خلسه»

داستان خلسه درباره وکیلی خوشنام به نام عظیمی است که همیشه در پرونده‌های قضایی موفق بوده، اما به طور اتفاقی با موضوع قتل زنی به نام هما مواجه می‌شود که پسرش او را به قتل رسانده است. در این اپیزود امین‌تارخ نقش عظیمی را بازی می‌کند. اپیزود خلسه به کارگردانی عبدالحسن برزیده تولید شده و بجز امین‌تارخ، رامین راستاد، لیلی تقوی، حنا شهشهانی، نگین معتمد، آیدا فقیه‌زاده، یاشا راستمی، مرتضی کاظمی، سیامک اشعریون و فرامرز روشنایی نیز در این اثر نقش‌آفرینی کرده‌اند.

اگر قرار باشد اطلاعات مربوط به شخصیت‌های یک سریال را به بیننده منتقل کنیم چه راه‌هایی در پیش داریم؟ این پرسش ارتباطی مستقیم با مجموعه راه‌شیری دارد. بخش اعظم اطلاعات قسمت خلسه در قالب اطلاعات خام در اختیار بیننده قرار داده می‌شود. تفاوت عمده میان ارائه اطلاعات و بروز احساسات از همین جا نشأت می‌گیرد. صحنه‌های ملاقات پدر و فرزند در زندان و جایی که پدر برای نخستین بار به اطلاعاتی

مهم درباره پسر دست می‌یابد برای پیشبرد داستان بسیار مهم و ضروری‌اند، اما عمدتاً در قالب انتقال اطلاعات ساخته و

پرداخته شده‌اند. در صحنه‌هایی از این دست، هنر کارگردان آنجا به چشم می‌آید که اطلاعات از قالب اطلاعات صرف خارج شده و بدل به حس می‌شود. قالب‌بندی‌ها و نحوه تدوین نیز از جمله لوازم مهم برای نیل به این مقصودند. نمونه جذاب انتقال اطلاعات از راه به‌کارگیری عواطف را می‌توان در همین اپیزود و در صحنه‌ای یافت که پدر به همسر سابق خود اطلاع می‌دهد پسرشان مواد مخدر مصرف می‌کرده است و مادر به یک جمله ساده واکنش نشان می‌دهد و سنگینی و تلخی این پیام خود را در عواطفی که در چهره مادر می‌بینیم نشان می‌دهد. بازی مادر در واقع کارکردی دوگانه دارد. در چند صحنه پیشتر ما شاهد آن هستیم که زن سابق سهراب در ماشین با او مشاجره می‌کند که هنگام دفاع از پرونده پدرش سهراب آنچنان که باید و شاید تلاش نکرده و پدر محکوم شده و با شنیدن خبر سکت کرده و از دنیا رفته است. در این صحنه ما بیشتر با انتقال اطلاعات مواجه‌ایم و شاهد آن هستیم که زن در عمل خواهان آن است که سهراب باید از پدر او با وجود گناهکار بودنش دفاع می‌کرده است. در واقع ما از همدلی و همراهی با او دست می‌کشیم و شاید با خود بگوییم که سهراب حق داشته از چنین زنی جدا شود و چه‌بسا به این نتیجه برسیم که او مادر خوبی هم نبوده، اما اینها همه صرفاً با ادای جملات به ما منتقل می‌شود و نه با روبه‌رو کردن ما با امکانات حسی و عاطفی چنین اطلاعاتی که باید در قالب بازی باورپذیر، صحنه‌پردازی مناسب، موجه بودن زمان و مکان ارائه اطلاعات و امثالهم، اما پس از آن که ما در صحنه ملاقات مادر با پسر در زندان، مادر را می‌بینیم که در مواجهه با این خبر که پسرش مواد مخدر هم مصرف می‌کرده به دلیل بازی باورپذیر بازیگر زن متوجه انتقال اطلاعات هم نمی‌شویم. در هر حال کیفیت انتقال اطلاعات در نقشی مهم در سریال بازی می‌کند و کارگردان گاه در بسترسازی عاطفی مناسب برای انتقال اطلاعات درست عمل کرده و گاه (که موارد آن کم هم نیستند) کیفیت تصویری سریال را فدای انتقال داده‌های خام مربوط به شخصیت‌ها می‌کند.

در مجموع این اپیزودها با طرح معضلات اجتماعی مختلف و پراکنده و نیز اختلاف زیادی که در سطح کیفی و تولید این اپیزودها مشهود است، مانع آن می‌شود که راه شیری یک مجموعه اپیزودیک منسجم باشد. چنین به نظر می‌رسد که هر کدام از این اپیزودها به تنهایی قابلیت یک مینی‌سریال مستقل را دارند. این مجموعه برای یک پیکره واحد بودن به خطوط ربطی همچون لوکیشن مشترک، سوژه، بازیگر، ساختار و در نهایت یک روح واحد نیازمند است.





# چشم در چشم شکارچی

مستند «محیط زیست برای همه» با هدف نمایش زندگی محیط بانان ساخته شده است



مسعود ثابتی

مستند «محیط زیست برای همه» کاری از محمد نمازی که تقریباً هر روز چند نوبت از شبکه مستند پخش می‌شود، روایتگر تلاش شبانه‌روزی محیط بانان سختکوش و زحمتکش ایرانی است که در اقصی نقاط کشور در کوه و جنگل و دشت و بیابان در شرایط طاقت‌فرسای جوی با خطرات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند.

بی‌تردید سختکوشی این عزیزان فداکار در درجه نخست ناشی از عشق و تعلق خاطر است که این انسان‌های آزاده به طبیعت و حیات وحش و مرزبانی از زیستگاه ما و تمام موجودات و آفریدگان خداوند برای این نسل و نسل‌های آینده دارند.

این مستند با آیه یک از سوره مبارکه جمعه آغاز می‌شود: «بدرستی که هر آنچه در زمین و آسمان هست به ستایش پروردگار خود مشغولند.» پس از تصاویری از مناطق مختلف حیات وحش ایران، هر بار سراغ چند نفر از محیط بانان نقاط مختلف ایران رفته و پای درد دلشان می‌نشینیم. آنها از تجارب گوناگون، لحظات مهیج، شاد، تلخ و عمدتاً دشوار می‌گویند و در کنار آن از ساعات کاری‌شان که درآمد نسبتاً یکسان برآیند بیشتر از یک کارمند است، حرف می‌زنند. آنها از دغدغه‌هایشان و سختی کار از جمله روبه‌رو شدن با شکارچیان غیرمجاز، دسترس نداشتن به تجهیزات مدرن و امروزی و این که قانون شکنان و متخلفان غالباً به لحاظ سلاح و نفرت از نگاهبانان محیط زیست برترند، می‌گویند.

عده‌ای از خسارات جانی، مرگ و جراحات ناشی از درگیری‌ها و بی‌مهری‌ها سخن به میان می‌آورند. محیط زیست برای همه جایی با اشاره به اصل ۵۰ قانون اساسی که حفاظت از محیط زیست و وظیفه همگانی است، همه ما را به مساعدت در حفظ و نگهداری از محیط زیست دعوت می‌کند.

با استناد به این قانون می‌توان گفت همه افراد جامعه در قبال طبیعت و جانداران آن مسئول هستند، اما آیا در واقع چنین چیزی هست؟ آیا حیات وحش ما را فقط شکارچیان غیرمجاز تهدید می‌کنند؟ در شرایطی که کتاب آسمانی، پیامبر و امامان ما در خصوص مراقبت و محبت به حیوانات و محیط زیست بسیار فرموده‌اند، ما همچنان نسبت به حیوانات، درختان و فضایی که در آن زندگی می‌کنیم سنگدلانه رفتار می‌کنیم. حیوانات سرگردان کوچک و خیابان، هدف تیراندازی و آذیت و آزار مردم قرار می‌گیرند، درختان و جنگل و کوه و دشت مسخر مردم قرار گرفته و رو به نابودی است.

ما اکثراً والدینی هستیم که از همان ابتدای کودکی به فرزندانمان ترس از حیوانات را می‌آموزیم و آنها را ناقل بیماری معرفی می‌کنیم. شاید بشود گفت فرهنگسازی ما در این زمینه اشتباه بوده یا حداقل کافی نبوده است.

به نظر می‌رسد برنامه‌ها و مستندهایی از این نوع که فقط تریبونی است برای گله‌گذاری محیط بانان می‌تواند کارکردهای آموزشی و فرهنگسازی نیز داشته باشد. چه خوب بود اگر این مستند از طرح مشکلات محیط بانان فراتر رفته و از دل میلیون‌ها تماشاگر خود صدها محیط بان تازه خلق کند.

برای نیل به این هدف باید با زبانی ساده و روان و نمایشی جذاب به گونه‌ای کاملاً غیرمستقیم و به دور از هرگونه رویکرد آموزشی مستقیم و موعظه‌گرانه، مردم را نسبت به توجه و مراقبت بیشتر از حیات وحش تشویق کنیم. در عین حال وقتی محیط زیست دغدغه مستندی است که با مشارکت شبکه مستند ساخته شده پس انتظار می‌رود به این مقوله به تفصیل و جامع بپردازد. به‌عنوان مثال درست است که انقراض هرگونه گیاه و جانوری خطر و تهدیدی برای محیط زیست به شمار می‌رود و نظام زیست‌محیطی را برهم می‌زند و در تمام نقاط دنیا همواره تمهیدات و برنامه‌ها و تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است، اما آیا این به این معناست که باید فقط به دنبال نجات حیوانات در حال انقراض بود؟ اگر حیواناتی مانند سگ و گربه به این دلیل که در معرض نابودی نیستند، باید کمر به نابودیشان ببندیم؟

از چنین برنامه‌هایی توقع می‌رود که انسان‌ها را به لحاظ عاطفی به محیط زیست‌شان نزدیک کنند نه به دلایل و مناسبات قراردادی و آماری و اکولوژیکی. نکته دیگر این که باید به آب‌ها که زیستگاه گونه‌های متعدد گیاهان و جانوران به شمار می‌روند و بخش بسیار مهمی از محیط زیست پیرامون ما را تشکیل می‌دهند نیز بیش از اینها پرداخت. آلودگی نفتی در جنوب ایران و آلاینده‌های بی‌شمار در شمال کشور که جان هزاران گونه گیاهی و جانوری آبزی را به مخاطره انداخته نباید در این میان از قلم بیفتد.

شاید به همین دلیل از برنامه‌های اینچنینی انتظار می‌رود که با تامل، تحقیق و تلاش بیشتر با در نظر گرفتن تمام این جزئیات در جهت نیل به هدف مقدس خود استوارتر گام بردارند در غیر این صورت می‌توان کار آنها را فقط آثاری شتابزده و سفارشی به شمار آورد. این را هم فراموش نکنیم که یک مستند لازم نیست به طور محض و کامل راوی واقعیت و آنچه در بیرون اتفاق می‌افتد، باشد. در واقع لحظه‌ای تامل نشان می‌دهد که مستند به این معنا اصولاً نمی‌تواند وجود داشته باشد و هر اثر متکی به تکنیک‌ها و ابزارهای فیلمسازی مثل تدوین و موسیقی و جلوه‌های ویژه (مثلاً بزرگنمایی و کوچک‌نمایی که یکی از ویژگی‌های بصری مهم مستندهاست) خواه ناخواه نمی‌تواند واقعیت عینی بیرون را آینه‌وار منعکس کند.

چنین اثری، فقط ارزش خبری خواهد داشت و این منافی با ماهیت و ارزش وجودی مستند در مقام شاخه‌ای از هنر سینماست و در واقع سازنده‌اش کاری جز خواندن خبر یا ارائه یک گزارش انجام نداده است.

از این‌رو، یک مستند انتقادی خوب، گذشته از وجه سلبی و انتقادی، باید از وجوه ایجابی و عملی هم برخوردار باشد، اما رعایت نشدن این تعادل، یکی از نقاط ضعف عمده و اساسی جریان مستندسازی سینمای ایران است؛ چیزی که جلوه‌اش در فیلم‌های مورد بحث و نمونه‌های مشابه پیداست.

برای مثال این مستند به شکل مستقیم و غیرمستقیم راوی مصائب و مشکلات محیط بانان است و به اشکال مختلف و از زبان خود این شخصیت‌ها به این مسأله می‌پردازد که میزان زحمت‌ها و سختی‌هایی که محیط بانان در دشت‌ها و کوه‌ها و سرما و گرما می‌کشند، با دریافتی‌شان همخوانی ندارد و باعث پایین آمدن سطح رفاه عمومی شاغلان در این حرفه می‌شود.

در این که این افراد از زحمتکش‌ترین‌های جامعه هستند و در ضرورت بالا بودن دستمزد و سطح رفاه مناسب آنها شکی نیست، اما آیا این دغدغه برای ساخت یک مستند کافی است؟ آیا یک مستند خوب در این زمینه جز اشاره به سطح دستمزد پایین محیط بانان، نمی‌تواند هیچ کار دیگری در مسیر آسایش و رفاه این آدم‌ها انجام دهد؟ بدیهی است که چنین نیست؛ مثلاً می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که در قرن بیست و یکم و در دوران هرچه کمتر شدن فاصله‌ها و مسافت‌ها و تبدیل جهان به یک دهکده کوچک، مثل بسیاری از فعالیت‌ها و شغل‌های دیگر، یک محیط بان هم مجبور نیست برای انجام وظیفه آواره کوه و بیابان شود و وقت، سلامت، رفاه و آسایش خود را به خطر اندازد و اصولاً فعالیت فیزیکی و حرکتی در بسیاری از حرفه‌ها دیگر منسوخ شده است. در کشورهای پیشرفته، به واسطه فناوری پیشرفته و ابزار نشان‌سنجی و ردیابی و کنترل حیوانات از طریق فرکانس‌ها و امکانات راداری و حتی کامپیوتری، یک محیط بان بسیاری از مدت زمان انجام وظیفه خود را در یک محل ثابت و در واقع پشت یک میز به سر می‌برد و بدون خارج شدن از محدوده یک اتاق، مکان و شرایط سوژه‌اش را در یک محدوده وسیع کنترل و ارزیابی می‌کند. از این طریق هم در وقت او صرفه‌جویی می‌شود و هم ماهیت این شغل به‌عنوان یک کار پرخطر و ریسک‌پذیر تغییر می‌کند و البته در این شرایط، دقت و کیفیت هم بالاتر می‌رود تا میانگین همه اینها موفقیت هرچه بیشتر در هدف مورد نظر با حداقل خطا و ناامنی باشد. این یکی از نمونه‌های فراوان ایجابی است که جایش در مستند مورد بحث خالی است و می‌توان به نمونه‌های بسیار دیگری هم اشاره کرد. در نهایت به‌رغم همه کاستی‌ها و ضعف‌ها، اگر این مستند شایسته ذکر است، از آن روست که موضوعی را که مستند به آن می‌پردازد یکی از آسیب‌ها و دغدغه‌های مهم و بزرگ زندگی در دوران معاصر است و صحبت درباره این موضوع به هر شکل و کیفیتی، بهتر از سکوت در قبال آن و تن دادن به نابودی حیات و زندگی است.

## رواج خشونت، آفت رسانه

وحید قاسم‌پور

وسایل ارتباط جمعی می‌تواند در نشان دادن انحرافات اجتماعی، اثرات ویران‌کننده‌ای را برای جامعه داشته باشد. رسانه تأثیر بسزایی بر تصویر کلی جرم در جامعه دارد تا جایی که پندارهای موجود درباره جرم، محصول رسانه‌هاست.

اغلب مردم با تأثیر گرفتن از رسانه معمولاً جرم را در غالب نوعی جرم خیابانی تصور می‌کنند که این مفهوم با ایجاد رعب و وحشت در میان افراد جامعه همراه است. به این ترتیب جرایم دیگری نظیر تخریب محیط زیست، حیف و میل اموال عمومی، جرایم مربوط به سلامت و امنیت غذایی و... به فراموشی سپرده می‌شود.

گزارش‌های مکرر رسانه از ارتکاب برخی جرایم خیابانی از قبیل ضرب و شتم و قمه‌کشی، تجاوز به عنف و قتل، موجب می‌شود توجه افکار عمومی به سمت این جرایم سوق داده شود و این یعنی تقویت انگیزه ارتکاب جرم و راه انداختن امواج جرم که خود از کارکردهای منفی رسانه‌هاست. مادامی که ناهنجاری و جرم در نظر کنش‌گران اجتماعی، امری زشت و غیرمنطقی باشد، میزان میل به سوی انحرافات اجتماعی کمتر می‌شود، اما نکته اینجاست که از مصادیق عمده تأثیر رسانه‌ها بر رفتارهای مردم می‌توان به رواج خشونت و تمایلات پرخاشگرانه اشاره کرد که خود می‌تواند زمینه‌ساز گرایش مخاطبان به تکرار اعمال مذکور شود و در نتیجه فراهم‌کننده بستر مناسب برای ارتکاب طیف وسیعی به ناهنجاری‌ها و جرایم گردد. البته از دیدگاه بعضی کارشناسان رسانه، دریافت صحیح پیام‌های خشن از سوی رسانه‌ها خاصیت درمانی دارد و می‌تواند موجب تخلیه خشونت در افرادی شود که امکان بروز احساسات پرخاشگرانه خود را پیدا نکنند، اما به نظر می‌رسد دیدگاه دوم محتمل‌تر است که دریافت مداوم و مکرر پیام‌های خشن رسانه‌ها تأثیر مخربی بر نگرش مخاطب و مستعد شدن او به ارتکاب به جرم خواهد داشت.

این امر باعث ترویج خشونت و الگوبرداری از رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود. در تکمیل دیدگاه دوم این موضوع مطرح است که عوامل شخصیتی و روان‌شناختی در کنار عوامل محیطی چون رسانه‌ها این شائبه را ایجاد می‌کند که افراد باتوجه به زمینه‌های شخصیتی و تربیتی پیام‌های متفاوت صادره از سوی رسانه‌ها را انتخاب می‌کنند و این نگرش باعث تأثیرپذیری زیاد آنان از رسانه خواهد شد.

البته این سوال پیش می‌آید که آیا رسانه‌ها فی‌النتفسه جرم‌زا هستند یا صرفاً بر افراد مستعد به ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد؟ به نظر می‌رسد که پیام‌های خشونت‌بار و بزه‌نمایانه رسانه‌ها می‌تواند آمادگی ارتکاب به جرم را در افراد مستعد از قوه به فعل تبدیل کند. نمایش لحظه‌های ارتکاب جنایت، به تصویر کشیدن افکار مجرمانه، تبیین انگیزه‌های ارتکاب جرم و... می‌تواند با قرار گرفتن در کنار عوامل دیگر شخص را مستعد جرم کرده به بالقوه شدن جرم منجر شود.

تأثیر نمایش فیلم‌های جنایی و خشن و همچنین انتشار اخبار مربوط به قتل نیز از دیگر سو باعث روحیه خشونت، تندخویی و ارتکاب جرم در میان مخاطبان می‌شود. می‌توان گفت محتوای خشونت‌بار رسانه‌ها با دامن زدن به بروز رفتارهای خشن، ممنوعیت‌ها و هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را در وقوع جرم کم‌رنگ می‌کند. پس رسانه‌ها قادرند با آموزش فنون ارتکاب جرایم، فرد را به همانندسازی با مجرم ترغیب کنند، لذا می‌توان نتیجه گرفت جرم‌زایی رسانه‌ها به تعامل محصولات رسانه‌ای، بافت رسانه‌ها و بافت اجتماعی بستگی دارد و نوع کارکرد رسانه در این خصوص ناهنجاری‌ها یا حتی هنجارهای فرهنگی و اجتماعی را شکل می‌دهد.



«دانشمندان بزرگ» سریال انیمیشنی نام آشنایی است که کارگردانی و نویسندگی آن را فرخ یکدانه به عهده داشته است. این اثر به تهیه‌کنندگی موسسه باسابقه «حور» و به سفارش «صبا» تولید شده است.

سریال دانشمندان بزرگ در ۳۳ قسمت ۱۳ دقیقه‌ای تولید شد و تمامی قسمت‌های آن از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است. این پروژه از سال ۸۴ آغاز شد. موضوع این داستان‌ها در نگاه اول تکراری به نظر می‌آید و هر بیننده‌ای تا کنون آثاری در زمینه معرفی دانشمندان ایرانی به صورت مستند، داستانی و حتی انیمیشن دیده است.

ایمان و امید دو برادرند که تفاوت‌های بسیاری باهم دارند؛ اما بزرگ‌ترین اشتراکشان این است که هر دو دوست دارند در آینده دانشمند شوند. به همین دلیل به مطالعه زندگی دانشمندان بزرگ می‌پردازند.

انتخاب داستانی اقتباسی - که مستند بر روایات تاریخی از زندگی و معرفی بزرگان است - عموماً این نگرش را متبادر می‌کند که در مقابل یک اثر اقتباسی وفادار قرار داریم. به عبارتی جابه‌جایی شخصیت‌ها و وقایع و حتی زمان و مکان در این نوع اقتباس با احتیاط بسیاری صورت می‌گیرد. فرخ یکدانه در فیلمنامه‌ای موفق از اقتباسی آزاد استفاده کرده است که علاوه بر جابه‌جایی زمان و مکان در این نوع اقتباس، استفاده از تصویری فرضی از موقعیت‌های طراحی شده، موفق می‌شود تا با استفاده از طنز کلامی و تصویری، فیلمنامه‌ای موفق و کم‌نظیر در انیمیشن ایران بنویسد.

در نگاه اول بررسی زندگی دانشمندان، روی مخاطب بزرگ سال متمرکز می‌کند و به نظر می‌رسد که کشفیات و شخصیت‌های دانشمندان - که در روند علم موثر بوده‌اند - بیش از هر کس مورد توجه مخاطب بزرگ سال است؛ اما هوشمندی نگارنده در استفاده از طنز و استفاده از طراحی ساده و کودکانه در این اثر موجب شده است که مخاطب این کار به کودک و نوجوان گسترش یابد و حتی این اثر از معدود تولیداتی در انیمیشن ایران باشد که می‌تواند ادعای مخاطب عام را یدک بکشد.

سبک در نقاشی فضای این اثر برخلاف آثار مدعی و معرف کلیشه‌ای فضاهای ایرانی از بته جقه و رنگ‌آمیزی متعارف ایرانی استفاده نشده است و برای معرفی هویت ایرانی، نگارگری ایرانی و نقاشی قهوه‌خانه‌ای مدنظر است. این طراحی‌های مبتنی بر نقاشی، تشابه بسیاری به نقاشی‌های ساده و اصیل کودکان دارد و این ویژگی همچون طراحی شخصیت ساده و بی‌ادعا به ارتباط مخاطب با داستان کمک بسیار می‌کند. در استفاده از تکنیک سه‌بعدی اغراق و ادعا وجود ندارد. گاهی بک‌گراند‌ها دویبعی است و کاراکترها سه‌بعدی طراحی شده است و به هر حال انیمیت ساده و کم‌ادعای اثر و خلاقانه آن سادگی و خلاقیت را بیش از هر چیز نشان می‌دهد.

مجموعه دانشمندان بزرگ تاکنون موفق به شرکت و کسب جوایز متعددی از جشنواره‌های گوناگونی چون جشنواره فیلم مستند و کتاب، جشنواره کتاب و رسانه، جشنواره هنرهای دیجیتال، جشنواره تولیدات تلویزیونی کشورهای اسلامی و جشنواره جام‌چم شده است.



# سلام آقای مسترین!

وقتی کی به اندازه اصل، ارزش دارد



## پریسا کاشانیان

مسترین یکی از جذاب‌ترین شخصیت‌های تاریخ تلویزیون بریتانیا و یک کم‌دین افسانه‌ای است که طرفداران زیادی در انگلستان و دیگر نقاط دنیا دارد. او چه بوقلمون درست کند و چه با خانواده سلطنتی ملاقات کند، بیش از ۲۰ سال است که مردم را سرگرم کرده و می‌خنداند.

اولین شوی صحنه‌ای اوایل دهه ۸۰ روی صفحه تلویزیون رفت و بعدها دو فیلم سینمایی و سه سریال تلویزیونی از روی این شخصیت ساخته شد. دنیای انیمیشن، عرصه جدیدی برای نمایش کارهای این کم‌دین مشهور بود. روان اتکینسون در ساخت سریال با ریچارد کورتیس همکاری داشت و هر قسمت را عملاً جلوی دوربین بازی می‌کرد تا انیماتورها بتوانند حرکات منحصر به فرد این شخصیت جذاب را بخوبی درک و تصویر کنند. داستان سریال انیمیشن، ماجراهای مسترین و تدی در آپارتمانشان است که معمولاً مشکلاتی بین او، خانم صاحبخانه و گربه بدجنس او روی می‌دهد.

تدی و مینی (ماشین مسترین) در سریال انیمیشن نقش پررنگ‌تری دارند. این سری کارها به شیوه انیمیشن دویبعی ساخته شده است و مشابه کار زنده یک کم‌دی بزن بکوب ملایم و پانتومیم‌وار است.

با وجود این‌که در ابتدا طرح این کار روی کاغذ هم یک کار کاملاً ریسکی به نظر می‌رسید؛ اما عملاً به موفقیتی بیش از حد انتظار دست یافت. این سری تاکنون نامزد دریافت چند جایزه بین‌المللی بوده است؛ از جمله جایزه بهترین سریال برای همه بیننده‌ها، بهترین شخصیت سال، بهترین برنامه سال در جشنواره کارتون آن‌بی ۲۰۰۲ و نامزد بهترین سریال تلویزیونی سال در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های انیمیشن انسی ۲۰۰۲ بوده است.

در این کار موارد جالبی از طراحی شخصیت دیده می‌شود که می‌توان به پاهای شناور یا حرکت جالب ابروهای شخصیت‌ها که مشابه حرکت مهره‌های گردن‌بند است، اشاره کرد. جزئیات زیادی در کارهای شخصیت اصلی داستان وجود دارد که معمولاً به پیامدهای ناگوار در ماجرای هر داستان منجر می‌شود. ممکن است که داستان‌های سریال انیمیشن مثل داستان‌های کار زنده تماشاچیان را به قهقهه زدن نیندازد؛ اما باز هم در طول داستان هر قسمت همواره لبخندی بر لب بیننده خواهد نشاند که ناشی از انیمیت خوب و طنز جالب داستان‌های مسترین است.

او یک فرد تخس و شیطان است که معمولاً کارهایش به فاجعه منجر شده و همیشه به طور غیرمستقیم با مشکلاتی مواجه می‌شود. می‌خواهد که محیط اطرافش تمیز باشد. بهترین دوست همیشگی او تدی، یک خرس عروسکی پشم‌آلوی قدیمی است که مسترین وانمود می‌کند، او زنده است.

**خانم جولیا ویکت:** شخصیت منفی اصلی سریال و خانم صاحبخانه بدخلاق و جدی مسترین است. او ۵۰ سال قبل به مدت ده دقیقه ازدواج کرده است؛ اما بعد، شوهرش فرار را برقرار ترجیح داده، او صاحب یک گربه زشت یک چشم به نام اسکرپر است. او به ندرت با مسترین مهربان است و معمولاً بسیار خشن برخورد می‌کند.

**اسکرپر:** گربه شیطان یک چشم خانم صاحبخانه که از همه آدم‌ها متنفر است، مخصوصاً از مسترین. او شخصیت منفی دوم این سریال هاست. سرگرمی‌های او ناخن کشیدن، دنبال کردن موش‌ها و به دردسر انداختن مسترین با خانم ویکت است.

**ایرماگاب:** او به نوعی نامزد مسترین است. او یک دختر خوب است که مدرکی در رشته‌ای دارد و به مسترین علاقه‌مند است؛ اما یکی از دلایل ملاقات او این است که خرسش با تدی بازی کند. نام خرس او لوتسی است که شبیه تدی می‌باشد، البته مزه و یک پایپون قرمز هم دارد. برخلاف کار زنده، در این کار ایرما نسخه مونث مسترین است.

**مینی ماشین مسترین:** ماشین زرد دوست‌داشتنی مسترین که در این کار نقش پررنگ‌تری دارد. بقیه شخصیت‌های فرعی این داستان‌ها شامل ملکه الیزابت دوم (که در ماجرای مسترین سگ ولزی او را نجات می‌دهد به او لقب شوالیه می‌دهد) رستوران‌دار، همسایه‌ها، سگ همسایه، خواننده معروفی به نام روکسی، توریستی به نام هری، آقای پاد و آلبرت اینشتین هستند.

نظر مسترین درباره کار انیمیشن این است: برای کار انیمیشن تقریباً به همان میزان وقت و انرژی می‌گذارم که برای کار زنده صرف می‌کنم. از نظر من مهم‌ترین نکته این است که یک شخصیت قادر باشد، روی هر صحنه‌ای که قرار می‌گیرد، نفوذ و قدرت خود را نشان دهد.

سازندگان این اثر معتقدند که مسترین به‌عنوان یک شخصیت که در آثار زنده بازی می‌کند، کیفیتی شبیه کارتون‌ها دارد و همیشه وقتی با سری‌های بازی زنده را می‌سنجیم، وقتی درباره شوخی‌ها بحث می‌کنیم یک نوع دیدگاه کارتون‌ها در ذهنمان به وجود می‌آید.

ساخت سریال انیمیشن مسترین سال ۲۰۰۲ آغاز شد، شخصیت‌هایی از این سریال که از سریال زنده تلویزیون گرفته شده‌اند، شامل مسترین، ایرماگاب، تدی و راننده اسرارآمیز سوپرون و شخصیت‌های اضافه شده، خانم ویکت صاحب خانه مسترین و گربه بدجنس او اسکرپر هستند. این سریال نیز مانند کار زنده - مسترین - بسیار کم‌دیالوگ بوده و در اغلب آنها فقط چند صدای کوتاه یا من‌من شنیده می‌شود.

روان اتکینسون صدای مسترین را می‌گذارد و بعلاوه تمام کارهای مسترین کارتون‌های برگرفته از خود اوست. یکی از صدای بقیه افراد را نیز صدای پیشه‌های دیگر می‌گویند، تاکنون سه سری سریال ساخته شده و کلاً ۵۲ قسمت ۱۲ دقیقه‌ای دارد. مخاطب این سری‌های انیمیشن هر دو گروه کودک و بزرگسال هستند. این سریال‌ها ساخت کشور انگلستان است؛ اما نسخه آلمانی آن نیز از شبکه آلمانی زبان سوپر آرتیال پخش شده است. تهیه‌کنندگان این سریال کمپانی‌های تایگر اسکیت پروداکشنز (کمپانی خود مسترین)، ریچارد پورردام پروداکشنز و وارگا استودیو هستند. این سریال در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۹ از کانال‌های تلویزیونی ۷۰ کشور مختلف پخش شد و پس از آن نیز بارها باز پخش شده است. اکنون هم این اپیزودها را روی سایت یوتیوب می‌توان مشاهده کرد.

در ایران نیز این مجموعه از شبکه دو سیما و شبکه پویا پخش شده است. یک بازی ویدئویی براساس این سری‌های انیمیشن به نام دنیای مضحک مسترین ساخته شده که دسامبر ۲۰۰۷ ارائه شد و قابلیت اجرا در پی‌اس دو نینتندو و وی را دارد. بتازگی بازی‌های جدیدی هم برای سیستم موبایل ساخته شده است. اوایل سال ۲۰۱۴ ای‌تی‌وی اعلام کرد که در پی موفقیت سری‌های نخست انیمیشن مسترین، سری انیمیشن جدیدی در حال ساخت است که انتظار می‌رود این کارها به صورت یک‌سری انیمیشن اینترنتی روی وب قرار داده شود. ساخت این سری جدید را نیز همان کمپانی‌های قبلی به عهده دارند. سری جدید نیز شامل ۵۲ قسمت ۱۱ دقیقه‌ای می‌باشد.

کارگردان سری جدید تام سیرل و کلودیا لویو کاترین سنیر تهیه‌کنندگان اجرایی این سری هستند. آنها در نظر دارند که این سری جدید را برای بیست و پنجمین سالگرد مسترین در ۲۰۱۵ آماده پخش کنند. شخصیت‌های اصلی سریال انیمیشن عبارتند از:

**مسترین:** او قهرمان اصلی این برنامه است.



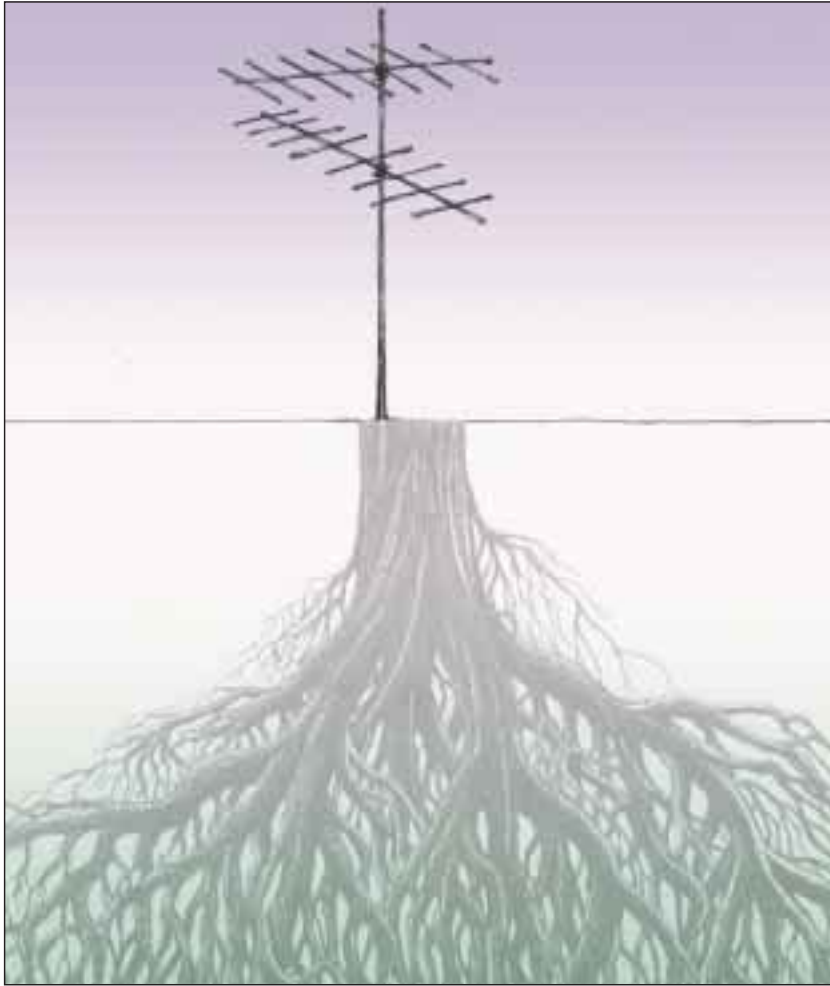
اطلاعات در دسترس درباره فیلمها، سریالها و برنامه‌های تلویزیونی قدیم، چند برابر دانسته‌های من در زمینه آثار مشابه سال‌های جدیدتر هستند. حال آن که به‌طور طبیعی، باید احوال و خاطرات سال‌های نزدیک‌تر در ذهن افراد، تازه‌تر و شاداب‌تر باقی‌مانده باشند...  
برای مقایسه، کافی است شما نیز - در هر سن و سالی که به سر می‌برید - جزئیات برنامه‌های تلویزیونی یا داستان و نام چند فیلم کارتونی متعلق به یکی دو دهه قبل را با - مثلاً - اثر مشابهی که در پنج سال پیش دیده‌اید قیاس کنید و ببینید از آنچه در سال‌های دورتر دیده‌اید، چه مقدار یادتان مانده و در مقابل، از جدیدترها چقدر...؟

گذشته از برخی دجاری‌ها یا همان ابتلائات زندگی در روزگار جدید و عصر دیجیتال یا این که گفته‌اند آنچه در سنین کم وارد ذهن شود، همچون نقش روی سنگ ماندگار می‌شود یا حتی گذشته از فراموشی‌های مخصوص هر سن (که از حالا و در میان‌سال‌های گریبان‌نگارنده را هم گرفته)، درباره یکی دو نسلی که فیلم‌بینی را درست در نخستین سال‌های پس از انقلاب شروع کردند نکته‌ای هست که بازگو کردنش خالی از لطف نیست.  
همچنان که بارها گفته شده و در شماره‌های پیشین نیز اشاره شد، تلویزیون، همچون سینما، تئاتر و در کل، رادیو و هر آنچه با هنرهای نمایشی مرتبط است - به همراه مخاطبان‌شان - پس از انقلاب و به‌طور دقیق‌تر از ابتدای دهه ۶۰، با حاکم شدن ضوابط جدید، سال‌هایی استثنایی، منحصر به خود و تا حدی هم وصف‌ناپذیر را از سر گذراندند. چنین شرحی معمولاً بر زمانه‌ای - با مختصات و استثناهای خودش - می‌رود که انسان فقط باید در آن عصر زیسته باشد تا به تمامی بتواند همه چیز را حس و لمس کند و توضیح آن ویژگی‌ها برای کسانی که آن زمانه را درک نکرده‌اند به تمامی میسر نیست...

آن سال‌ها همه موجودیت رسانه‌های دیداری و شنیداری داخل کشور را حداکثر دو شبکه تلویزیونی و معدود شبکه‌های رادیویی وقت تشکیل می‌دادند - بحث رسانه‌های نوشتاری هم که از این مقوله جداست - آن دو شبکه تلویزیونی مورد بحث که یاد کرد خاطرات و حاشیه‌هایشان انگیزه نگارش این سری مطالب است نیز فقط در ساعت‌هایی از شبانه‌روز دایر بودند (شاید سرجمع پخش برنامه‌های هر دو شبکه حداکثر به ۱۲ ساعت می‌رسید. از طرفی حتی به سبب امروز از تکرار پخش نیز خبری نبود، بنابراین، «تکرارها» نقش مهمی در شکل‌گیری پسند، سلیقه، زیبایی‌شناسی، درآمیختگی یا دوری و نزدیکی با رسانه، تعیین سطح خواسته‌ها و توقع‌ها، ادامه تعقیب برنامه‌ها یا قطع ارتباط از سوی بیننده و در پیش‌گرفتن رویکردهای تازه نسبت به پدیده‌های تازه‌تر که نوعی ریزش محسوب می‌شد و حتی دامنه آن استقبال از برنامه‌هایی نظیر آثاری را هم در دهه ۶۰ دربر می‌گرفت و چه و چه... بازی می‌کردند.

**سرگرم شدن با رخداد‌های اجتماعی**

نکته دیگر این که آن سال‌ها بحث سرگرم شدن - به ناگزیر - تا حدی هم با مقولات اجتماعی و سیاسی آمیخته شده بود؛ یعنی در بزنگاه‌های ملت‌هت و پر تحرک رخداد‌هایی که مردم با سرعت هرچه تمام‌تر در پهنه سیاست و اجتماع از سر می‌گذراندند، همراه جذابیت‌های پنهان و آشکاری که این رخدادها برای قشرها و طبقه‌های مختلف داشته و دارد، تعقیب به هم پیوسته اخبار و گزارش‌های فلان رویداد یا مثلاً محاکمه به همان عامل رژیم پیشین در شب‌های زمستان و تابستان، خود سریالی پر جاذبه بود که گاه عبرت‌آموز ارزیابی می‌شد و گاهی هم دردهای عده‌ای زخم‌خورده و آسیب‌دیده از این عوامل را تسکین می‌داد. اینها همه در ذهن گروهی از افراد ماندگار شدند، اینچنین است که هنوز هم اگر از افراد چهل، پنجاه، شصت ساله و حتی مسن‌تر جو یا شوید، کلیات و جزئیات بسیاری از هر برنامه (اعم از سیاسی یا غیرسیاسی و سرگرم‌کننده)، فیلم، کارتون یا سریالی را که در گذشته دوست داشته‌اند



**نگاهی به برنامه‌های کمتر دیده شده تلویزیون در اوایل انقلاب**

# روزهای آغازین یک رسانه نوپا

برای شما بازگو می‌کنند و رنگ‌هایی از نوستالژی را بر آن می‌باشند. این روبه البته با تفاوت‌هایی شامل برخی در یادماندنی‌های تلویزیون در سال‌های قبل از انقلاب نیز می‌شود...  
افشاگری و پرداختن به مسائل مربوط به دست‌اندرکاران رژیم پیشین، یکی از انگیزه‌های مهم در ساخت برنامه‌های تلویزیونی (مثلاً در قالب پخش بریده‌هایی از فیلم‌های مستند مربوط به آن زمان) را تشکیل می‌داد. اقبال عمومی به چنین آثاری نیز همواره برنامه‌سازان را در ادامه کارشان ترغیب و تشویق می‌کرد. در نزد گروه‌های اجتماعی‌ای که نگارنده نیز به آنها تعلق داشت و نخستین دیدارهای مهم تلویزیونی‌اش به سال‌های بعد از انقلاب برمی‌گشت، در زمانه‌ای که انقلابیگری مهم‌ترین و حتی جذاب‌ترین بخش بیشتر حرکت‌ها و روندها را تشکیل می‌داد، به یکباره آثار تولیدی اندکی که با ضوابط هنوز تکمیل نشده و شکل نگرفته روز، مجال پخش می‌یافتند با چنین محتوا و مضامینی از تلویزیون سر درآوردند. فیلم‌های داستانی و نیمه‌بلند «آوای امنیت» و «اسم شب» که هر دو با موضوع‌های انقلابی ساخته شدند از این زمره‌اند.

آوای امنیت را خسرو ملکان فیلمساز تازه‌کار و جوان آن سال‌ها با هدف دستگرمی، اندوختن تجربه و راهیابی به سینمای حرفه‌ای ساخت. موضوع فیلم که بیش از یکی دو بار مجال پخش نیافت درباره ماجراهای مربوط به همسر ثابتی (مقام بلندپایه ساواک) در کفاشی شارل ژوردن بود. اسم شب هم در پخش سرنوشتی بهتر از ساخته ملکان پیدا نکرد و به همین سبب اطلاعات زیادی از آن در دسترس نیست، اما بنا بر حافظه نگارنده درباره جمعی از انقلابیون بود که در قالب گروه‌های مردمی شب‌ها از محله‌ها حفاظت می‌کردند و جلوی تحرک ضدانقلاب را می‌گرفتند. نام فیلم نیز بر اسم شی دلالت می‌کرد که رد و بدل کردن آن، نشانه خودی بودن رهگذران شبانه بود. برای یادآوری به نسل‌های جدید، خوب است اشاره کنیم که آن سال‌ها به سبب شکسته شدن دره‌های یادگان‌ها و مراکز نظامی و انتظامی از سوی انقلابیون در روزها و شب‌های منتهی به ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سلاح‌های زیادی در نزد مردم بود که بتدریج و با انتشار درخواست‌های دولت، بیشتر این سلاح‌ها

تحویل قانون شد. وجه تسمیه فیلم مورد بحث نیز اشاره به همین سلاح‌ها بود که تعدادی از آنها به ناگزیر در دست ضدانقلاب نیز افتاده بود...

**سیاه‌بازی در جعبه جادویی**

البته ساخت و نمایش آثاری با مضمون انقلابی در تلویزیون فقط به پخش برنامه، فیلم مستند و داستانی یا مثلاً یادواره‌های مناسبتی و سخنرانی محدود نمی‌شد، بلکه قالب نمایش‌های تلویزیونی و همچنین نمایش‌های پر بیننده‌ای را که در همان زمان، عموماً در سالن‌های نمایشی و تئاتری پایتخت اجرا و بعد ضبط تلویزیونی می‌شدند نیز در برمی‌گرفت. مثلاً نگارنده بخوبی به یاد دارد که از همان نخستین نوروز بعد از انقلاب (۱۳۵۸)، بنا بر سنت نوروزی سال‌های قبل تلویزیون، همچنان نمایش‌های سنتی سیاه‌بازی پخش می‌شد؛ البته فقط نمایش‌های معدودی از این قبیل که مناسب پخش بودند یا با ایراد جرح و تعدیل‌هایی مناسب تشخیص داده می‌شدند. از سال بعد نیز می‌شد نمایش‌های سیاه‌بازی جدیدی را در نوروز دید که موضوع‌های کاملاً انقلابی و به‌روز شده پیدا کرده بودند.

اساساً یک مضمون مهم این نمایش قدمتار و صد درصد ایرانی، همواره تقابل نوکر و ارباب و دست‌انداختن ارباب از سوی نوکر (با بازی همیشه شیرین «سیاه» نمایش) بوده و مسائلی که آن زمان حول محور شاه و ملت مطرح بود هم بخوبی دست سازندگان این نمایش‌ها را در تغییر نمادین دو کاراکتر قدیمی سیاه‌بازی و به‌روز کردن آنها با هدف نزدیکی داستان و مضمون به شرایط روز باز می‌گذاشت. هرچند که پس از ۳-۲ سال اولیه بعد از انقلاب، تقریباً بساط سیاه و سیاه‌بازی (به دلایلی که نمی‌دانیم) از تلویزیون و حتی برنامه‌های نوروزی برچیده شد و سال‌ها بعد فقط به‌طور محدود و تغییر شکل یافته (مثل نمونه‌هایی که در آن نقش سیاه از سوی جواد انصافی بازی می‌شد) امکان تولید و پخش یافت. به‌طور قطع و یقین اگر نگاه محدودکننده در آن سال‌ها کمی با این نمایش سنتی و ارزنده مهربان‌تر بود امروز همچنان با رونق و بالندگی این گونه نمایشی در کشور روبه‌رو بودیم.

\*\*\*

از میان تئاترهایی که از روی صحنه اصلی هنر نمایش کشور و از طریق ضبط تلویزیونی (و اضافه شدن کارگردان تلویزیونی، فیلمبردار و بقیه عوامل مربوط) به پخش راه یافتند، نگارنده بیش از همه دو نمایش را به یاد می‌آورد:  
اولی «حصار در حصار» بود که به تقابل چند گروه سیاسی در زندان زمان شاه می‌پرداخت. کارگردان، که خود تجربه زندانی بودن در رژیم پیشین را از سر گذرانده بود، در بحبوحه التهاب‌های سیاسی جاری میان نیروهای مختلف می‌کوشید به ریشه‌ها و تفاوت‌های انقلابیون مذهبی در نگاه و جهان‌بینی از سال‌های قبل از پیروزی انقلاب بپردازد. نمایش دیگر «آنها مامور اعدام خود هستند» بود که درخصوص بلای خانمانسوز اعتیاد - به‌عنوان یکی از میراث‌های شوم استعمار - را دستمایه خود قرار داده بود. جایی درباره این یادگار روانشاد محمود استادمحمد نوشته‌ام: «حکایت نگارش، کارگردانی و اجرای آنها مامور اعدام خود هستند از نظرهایی در نوع خود دراماتیک، جالب و کم‌نظیر است و حتی ظرفیت ساخت یک فیلم سینمایی پیرامون چگونگی نگارش، ساخت و نمایش خود آن وجود دارد.

**فروش کارخانه آجر سفال ماشینی**  
کارخانه آجر سفال ماشینی تمام اتوماتیک با ظرفیت ۱۰۰۰۰۰ قالب در روز با ماشین‌آلات شرکت نامسکار و با ۶۰۰۰ متر زمین و گوره هولمن به عنوان تنها کارخانه آجر در استان گیلان و دارای بازار انحصاری به دلیل مهاجرت به فروش می‌رسد. محصول تولید بنون شوره زدگی می‌باشد و درصند جذب آب پایین مناسب برای مناطق شمالی می‌باشد.  
۰۹۱۲۲۴۹۰۷۶۹

**آوای امنیت**  
سازمان آوای امنیت  
۸۸۸۳  
۸۸۶۷۳۲۸۵-۱  
www.jamaneh.com



ورزش‌های سبک از مهم‌ترین عوامل موثر در حفظ سلامت و شادابی، بویژه در سالمندان به شمار می‌آیند. برنامه فصل نو شبکه رادیویی تهران، سه‌شنبه‌ها با مقوله سالمندی با حضور در پارک‌های شهر تهران روی آنتن می‌رود.

نگاه اصلی این برنامه مقوله سالمندی است به عنوان فصلی نو، تندرستی، نشاط، سلامت و امید به زندگی را نوید می‌بخشد. این برنامه تلاش می‌کند به صورت اجرای میدانی با تولید و پخش بخش‌های متنوع سهمی در ایجاد نشاط و تحقق امید به زندگی و سلامت برای همه شهروندان حاصل شود.

وی خاطر نشان می‌کند: فعالیت نداشتن باعث می‌شود افراد مسن توانایی انجام کارهای خود را از دست بدهند یا به بیماری و استفاده از داروها منجر می‌شود. ورزش منظم می‌تواند به تقویت انرژی، حفظ خوداستقلال و مدیریت علائم بیماری و یا درد کمک کند.

این برنامه به گروه‌های مختلف غذایی مورد نیاز سالمندان، مزایای ورزش در بهداشت و سلامت روان سالمندان و مجموعه‌ای از عواملی که در حفظ و ارتقای سلامت دخیل هستند، اختصاص یافته است و بازیگران نمایشی توجیح نصر و بیژن علی محمدی از پیشکسوتان دوبله با اجرای برنامه‌های طنز و گفت‌وگو با سالمندان فضای شادی را به برنامه القا می‌کنند.

این برنامه ۳۰ اردیبهشت، با حضور در پارک پرواز، بوستانی در منطقه سعادت آباد، مهمان جمعی از ورزشکاران و شهروندان بود.

\*\*\*

دوران پیری به علت ضعف و اختلال در حافظه، از دست دادن شغل و بازنشستگی، ترک فرزندان، مرگ همسر و ابتلا به بیماری‌های مزمن از مهم‌ترین دوره‌های زندگی است که باعث اختلال در سلامت روان و ناامیدی از زندگی می‌شود.

احترام به سالمندان در قرآن که یکی از مصادیق آن والدین سالمند است از جمله مواردی است که نشان می‌دهد سالمندی در دین اسلام از جایگاه والا و ویژه‌ای برخوردار است، این روزها شاهد بی‌توجهی‌های زیادی به سالمندان هستیم.

محمد عینی‌زاده موحّد، مدیر گروه معارف و تربیت این شبکه می‌گوید: برنامه برکت زندگی به همین منظور چهارشنبه‌ها پخش می‌شود. مسائل تربیتی و دینی که سالمندان به آن نیازمند هستند، جایگاهی که سالمندان در خانواده دارند و معضلات و مشکلاتی که با آن مواجه هستند در این برنامه بررسی می‌شود.

آیتم پدربزرگ و نوه، قطعه نمایشی است که مسائلی را که بین آنها پیش می‌آید، بازگو می‌کند و به موضوع آشنایی با موسیقی مقامی مناطق مختلف کشور اختصاص دارد.

### حرف آخر

یک آسمان محبت، کاری از دفتر شهرستان‌های شبکه رادیویی تهران است که پنجشنبه‌ها از ساعت ۱۰ تا ۱۱ صبح روی آنتن می‌رود. این برنامه یک کار مستند گزارشی است، با این نگاه که سالمندی پایان راه نیست و هنوز بسیاری از سالمندان هستند که منشا اثر، کارآفرینی، مشاوره و همفکر جوانان باشند.

سالمندی می‌تواند سن پختگی و اثرگذاری برای جامعه و خانواده باشد. در هر برنامه سراغ یک سالمند از شهرستان‌های استان تهران می‌رود که آن سالمند با وجود سن بالا هنوز کار و در جامعه فعالیت می‌کند و کارآفرین و معتمد محل است.

هدف برنامه این است که اطرافیان به این افراد توجه کنند، مسئولین تسهیلاتی را در اختیار آنها قرار دهند تا سالمندان با توجه به تجربیات و سابقه خود برای افراد دیگر کارآفرین باشند و همچنین این نگاه به سالمندان باشد که می‌توان به آنها تکیه کرد و محبت و توجه بیشتری به آنها داشت.

اما در آخر باید گفت نباید فراموش کرد، پیری فرآیندی است که متوقف نمی‌شود و فقط با داشتن زندگی سالم و مراقبت‌های ویژه می‌توان این دوران را به دورانی مطلوب و لذت‌بخش، توأم با سلامت تبدیل کرد.



گزارشی از برنامه‌های «سالمندمدار» شبکه رادیویی تهران

# پیربشی ولی آزار نیندی

مریم کریمی

به وجود فرهنگ غنی در جامعه اسلامی امیدواریم هم خانواده‌ها و هم دولت بتوانند توجه ویژه‌ای به موضوع سالمندان داشته باشند چرا که جمعیت سالمندان در کشور ما روز به روز در حال افزایش است.

مرضیه نقدی، تهیه‌کننده «در سایه‌سار سپیدار» می‌گوید: این برنامه کاری از گروه علم و زندگی شبکه رادیویی تهران است که یکشنبه‌ها روی آنتن می‌رود. یک مهمانی کوچک برای سالمندان که از یک سالمند همراه یک یا دو نفر از اعضای خانواده‌اش دعوت می‌شود، یک گپ و گفت صمیمانه و شاد است که در خصوص زندگی و سال‌های مختلف زندگی، از دواج و کار صحبت می‌شود.

در این برنامه از سالمندان فعال که دل زنده هستند یا از عموم جامعه‌اند یا این که هنرمندان قدیمی هستند دعوت می‌شود. بخشی از برنامه نیز به اجرای موسیقی زنده اختصاص یافته است، تصنیف‌های قدیمی و خاطره‌انگیز نیز در برنامه پخش می‌شود.

### هیچ وقت برای ورزش کردن دیر نیست

«سلامت سالمندان یکی از مسائل و مشکلات بهداشتی در بیشتر جوامع است و مقابله با این مشکلات نیازمند سیاستگذاری و برنامه‌ریزی‌های دقیق و صحیح است.» اینها را حمیدرضا حصارکی، مدیر گروه ورزش و سلامت شبکه رادیویی تهران می‌گوید و ادامه می‌دهد: معمولاً با افزایش سن و تغییرات فیزیولوژیکی که در بدن هر فردی ایجاد می‌شود به طور طبیعی قدرت بدنی کاهش می‌یابد و در سیستم‌های ایمنی بدن و دستگاه گوارش، قلبی - عروقی و عصبی نیز اختلالاتی به وجود می‌آید که رعایت یک رژیم غذایی صحیح و انجام

موضوعش طرح مسائل اجتماعی گروه سنی سالمندان است. در آخرین سرشماری رسمی کشور، تهران و گیلان به عنوان پیرترین استانها شناخته شده‌اند، گیلان به واسطه جذابیت‌های طبیعی و هوای سالم بسترهای مناسبی برای یک زندگی آرام سالم سالمندی است. این تهران نیز دارای تمرکز جمعیت سالمندی است. این برنامه مأموریت دارد تا مسائل اجتماعی سالمندان را در یک بستر رسانه‌ای مطرح کند.

مدیر گروه اجتماعی و خانواده شبکه رادیویی تهران ادامه می‌دهد: طرح مسائل سبب دیده و شنیده شدن سالمند در جامعه می‌شود و جامعه‌ای که در آن هم مسئولان و هم مردم عادی و هم خود سالمندان در آن عضویت دارد. نشر دانستی‌های کاربردی در خصوص زندگی سالمندی، انتقال تجارب سالمندان به نسل جوان برای پر کردن شکاف نسلی، معرفی سبک و شیوه سالم زندگی در سالمندی، شرایط اجتماعی و طرح این مفهوم که سالمندی به مفهوم پایان انقضا یا پایان حضور و خدمت مفید در جامعه و خانواده برای فرد سالمند نیست.

وی در ادامه به بخش‌های این برنامه اشاره می‌کند و می‌افزاید: آیتم با من حرف بزن، درد دل یک سالمند، با سالمندان بی‌حوصله چه کنیم، سالمندان از خانه چه می‌خواهند، الهی پیربشی ولی آزار نیندی، صحبت‌های کارشناس برنامه و پخش سرودهای نوستالژیک و قدیمی از پخش‌های تدارک دیده این برنامه است.

محمدی‌خانی یادآور می‌شود: بین سالمندی و رادیو یک وجه مشترک وجود دارد، سالمندی با پدیده تنهایی مترادف است و هنر رادیو در جلب و جذب مخاطبان فقط به عنوان سرمایه‌های اجتماعی یک رسانه است، با توجه

سالمندی دوران حساسی از زندگی بشر و توجه به نیازها و مسائل آن از اهمیت خاصی برخوردار است، یکی از حوزه‌های نیازمند توجه بیشتر در زندگی سالمندان، کیفیت زندگی آنان و عوامل موثر بر آن است. به نظر می‌رسد سالمندان به دلیل کهولت و کاهش توانایی‌هایشان و همچنین آسیب‌پذیر بودن باید تحت توجه و حمایت‌های لازم قرار گیرند و نیازهای آنان در ابعاد جسمی، اجتماعی و روانی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.

مسائل مختلفی از جمله بیماری، ناتوانی، اختلالات ذهنی، تنهایی، فقر و بسیاری عوامل دیگر باعث می‌شود تا نیازهای سالمندان در پارهای موارد متفاوت با نیازهای سایر اقشار جامعه باشد که توجه به آنها حائز اهمیت بسیار است.

شبکه رادیویی تهران با توجه به ضرورت توسعه فرهنگ سالمندمداری و نهادینه شدن آن در جامعه و توسعه فرهنگ کرامت از سالمندان، بتازگی تغییرات جدیدی را در کنساکتور خود اعمال کرده است. هر یک از گروه‌های شبکه رادیویی تهران، با توجه به مأموریت‌های خود به موضوع سالمند و سالمندمداری می‌پردازند. مثلاً گروه اجتماعی و خانواده، وضع سالمندان را از بعد اجتماعی و خانوادگی بررسی می‌کند. گروه ورزش و سلامت از بعد سلامت جسمی و روحی، شرایط سالمندان را مورد توجه قرار می‌دهد.

مهم‌ترین اهداف برنامه‌های سالمندمحور شبکه افزایش آگاهی سالمندان در زمینه تغذیه، ورزش، بهداشت روانی، ایجاد رفتارهای سالم یا بهبود رفتارهای موجود با سالمندان و توجه خانواده و مسئولان به این قشر آسیب‌پذیر از جامعه است.

شنوندگان می‌توانند هر روز ساعت ۱۰ تا ۱۱ بجز جمعه‌ها برنامه‌های سالمندمحور شبکه رادیویی تهران را از موج اف.ام.ردیف ۹۴ مگاهرتز بشنوند.

اکبر محمدی‌خانی، مدیر گروه اجتماعی و خانواده این شبکه می‌گوید: ارتباطات اجتماعی و کسب اعتبار از سوی خانواده و دوستان برای افراد سالخورده از اهمیت بالایی برخوردار است و سبب می‌شود آنها احساس تنهایی نکنند.

افراد سالمند از نظر روانی در معرض آسیب‌های جدی هستند، توجه و احترام به آنها و پذیرش آنها در خانواده و مراقبت روحی از آنها از ابتدا به اختلالات روانی و افسردگی در آنها پیشگیری می‌کند.

سالمندان، گنجینه‌های زندگی  
برنامه گنجینه‌ها با شعار سالمندی زیباست،





# راديو بايد رقبای خود را رصد کند

زهرة زمانی

سیزدهمین جشنواره بین‌المللی راديو با فراز و فرودهایش برگزار شد. خسرو معتضد کارشناس - مجری پیشکسوت برنامه «روی دیگر تاریخ» راديو ایران و برنامه تلویزیونی پلی به گذشته شبکه دوم سیما از کسانی بود که روز آخر به این جشنواره دعوت شده بود. وی نظرات بسیار شنیدنی درخصوص راديو و موفقیت آن دارد.

## به نظر شما این جشنواره در روند کیفی سازی برنامه‌های راديو چقدر موثر بود؟

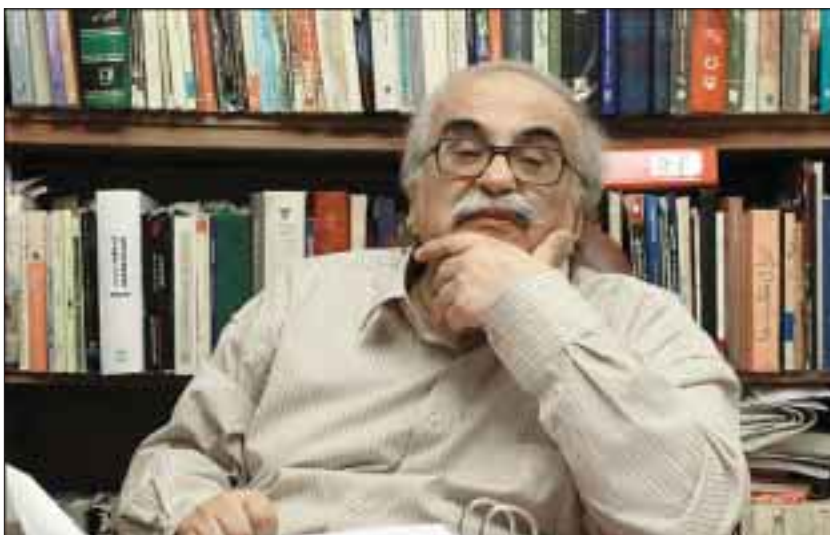
برگزاری جشنواره بین‌المللی راديو کار خوبی بود که من نیز روز آخر دعوت شدم.

به هر حال وضع برنامه‌های راديو و میزان نفوذشان در جامعه در جشنواره سنجش می‌شود، چون برنامه‌های مختلف عرضه می‌شود و اینها را با هم می‌سنجند و هیات داورى بررسى و قضاوت می‌کند، به نظرم کار خوبی است و خودش یک گام به جلوسست، ولی آنچه برای من مهم است این که ما هر سال باید بسنجیم ببینیم چه پیشرفت‌هایی کرده‌ایم.

اولین هدف مهم در راديو تامین زبان جهان گستر فارسی است. زبان قاره‌ای فارسی، زبانی است که زمانی در سراسر قاره آسیا بنا به شهادت مطبوعات اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مثل حیل‌المتین عمومیت داشت، یعنی هر جا می‌رفت با زبان فارسی مشکلی در تکلم با مردم پیدا نمی‌کردی و این بود که روزنامه حیل‌المتین در کلکته و بمبئی آماده و چاپ و در سراسر سرزمین‌های آسیا و شمال آفریقا توزیع می‌شد، خوانندگان فارسی داشت، در هنگ کنگ نماینده فروش و خبرنگار داشت و همین‌طور در جزیره خارک.

## پیشرفت راديو را در سال‌های اخیر چطور ارزیابی می‌کنید؟

نمی‌شود پیشرفت‌های راديو را انکار کرد، در حال حاضر تعداد زیادی فرستنده به تعداد استان‌های کشور برنامه پخش می‌کنند. برنامه‌های محلی هم داریم، زبان‌های محلی هم هست، ولی به نظر من رسالت بزرگ راديو، زبان فارسی است. زبان فارسی که زبان همه مردم ایران است و تمام زبان‌های دیگر مشتقات و فرعیاتی از این زبان است. این زبان را ما به مثابه کشوری که زبان رسمی‌اش فارسی است، باید پاس بداریم. باید کلمات عامیانه در برنامه‌های راديو گفته نشود. کلماتی مانند عمراً، تریپ و... از این صحبت‌هایی که هیچ وقت افراد محترم بر



زبان نمی‌آورند، گفته نشود ضمن این که ما انتظار نداریم گویندگان برنامه‌های مختلف راديوی کتابی صحبت کنند باید فارسی را به گونه‌ای که برای همه فارسی‌زبانان و علاقه‌مندان به زبان فارسی جالب باشد، اجرا کنند. من خودم هم سعی می‌کنم این‌طور صحبت کنم.

## خودتان راديو گوش می‌کنید؟

به‌عنوان آدمی که ۵۰ سال با راديو و تلویزیون همکاری می‌کنم، در اغلب لحظاتی که بیکار هستم به رصد برنامه‌های راديوهای خودمان و کشورهای همسایه می‌پردازم، چنانچه اگر از من سوال کنید من دقیقاً می‌توانم بگویم چند راديو و تلویزیون کردی مشغول پخش برنامه هستند. همین‌طور چند تلویزیون در جمهوری آذربایجان مشغول فعالیت هستند.

باید این قضیه رصد شود که راديو در مقابل رقبای نیرومند خود چقدر شنونده دارد؟ در گذشته نه ماهواره بود، نه راديوهایی که روی ماهواره پخش شوند، در حال حاضر خیلی از راديوها به دلیل سهولت رساندن مطالب از روی ماهواره پخش می‌شود. الان باید راديوی کردی افتتاح شود. در صورتی که در کشور همسایه شاید هجده، نوزده تلویزیون و راديوی کردی مشغول فعالیت هستند که ما به این تعداد شبکه نداریم. فقط یک تلویزیون کردستان مهاباد، سنندج و کرمانشاه را داریم در حالی که باید به تعداد همان تلویزیون‌ها، کانال راديوی و تلویزیونی داشته باشیم.

همچنین در حال حاضر اسامی راديوها و تلویزیون‌های کشورمان ایرانی نیستند و اسامی بیاترنگ نام و نماینده

استان نیست. ما به راديو تلویزیون آذربایجان شرقی می‌گوییم سهند، به اردبیل می‌گوییم سیلان. این اسامی چه منظوری می‌تواند داشته باشد؟ در حالی که در آن سوی مرز که اصلاً اسمش آذربایجان نیست، ده‌ها راديو و تلویزیون به اسم آذربایجان مشغول فعالیت هستند. خود من گاهی دچار اشکال می‌شوم که این برنامه از کدام شبکه پخش می‌شود؟

## به نظر شما جشنواره راديو توانسته جایگاه راديو را تثبیت کند؟

موقعیتی که در حال حاضر جشنواره راديو از آن برخوردار است چیزی بیشتر از موقعیت راديو در سال ۱۳۲۰ است که فقط یک راديوی تهران بوده و با راديوهای برلین، رم، راديوی توکیو و راديوی برازاول به زبان فرانسه در جهان در حال رقابت باشد. در حال حاضر راديوی ایران رقبای مختلفی در سراسر جهان پهنانور دارد. بنابراین رقبایی که از شما می‌تواند پیشی بگیرد، شنونده شما را جذب می‌کند.

مسئولان جشنواره راديو باید برنامه‌ای را تهیه کنند که همه برنامه‌های راديوی و تلویزیونی همسایه‌های ایران را ضبط کنند. وقتی من تلویزیون مصر را نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوم که کاری به سیاست‌های ایران ندارد، ولی در همسایگی ما چند تلویزیون هستند که می‌آیند درباره آذربایجان جنوبی صحبت می‌کنند و موسیقی عاشیق پخش می‌کنند. یعنی من می‌بینم که نوازندگانی می‌آیند و بهترین موسیقی که مال ماست، موسیقی تبریز و

ارومیه و اردبیل و جاهای دیگر را درست شب عید پخش می‌کنند و شنونده راديو تصادفاً آن موج را گوش می‌کند.

ما موسیقیدان‌های برجسته‌ای داریم راديو باید موضع خود را با موسیقی روشن کند. موسیقی ما هم‌ا‌ش بزمی نیست ما موسیقی رزمی هم داریم. در حال حاضر ما در آذربایجان نوازندگان بسیار عالی داریم، اینها باید رقیب آن راديوها و تلویزیون‌هایی بشوند که با موسیقی، شنونده ایرانی را جذب می‌کنند. این مسائل باید توسط کارشناسان رسانه بررسی شود.

شاید حرف‌های من باب طبع شما نباشد، اما من به‌عنوان یک آدمی که از سال ۱۳۲۷ وارد راديو و تلویزیون شدم و به‌عنوان تفریح به رصد برنامه‌های کشورهای همسایه می‌پردازم، گاهی به شماره ۱۶۲ یا خود آقای صوفی زنگ می‌زنم و می‌گویم که در حال حاضر در دبی راديو به زبان فارسی در حال اجرای برنامه است. من به بندرعباس که رفته بودم یک روز هم تاریخ خلیج فارس را در دو ساعت برایشان بیان کردم. یکی دو شب در تلویزیون صحبت کردم. مساله دیگری بود یعنی ما مهمان رئیس‌جمهور بودیم، ولی سری به آقای کمالی زدم. به معاونت صدا و سیما در بخش راديو تلفن کردم و گفتم من در تاکسی‌های بندرعباس پنج راديو شنیدم، از دبی به زبان فارسی که موسیقی و برنامه‌های کوتاه برای ایران پخش می‌شود، برای این که شنونده شما را از دستتان بگیرد.

## چه پیشنهادی برای بهتر شدن برنامه‌های راديو دارید؟

معتقدم جشنواره راديو فقط به تعریف و تمجید و دادن جایزه ختم نشود. من متأسفانه آدمی هستم که در همه مسائل یک نگاه بدبینانه هم دارم، اما به مرور زمان می‌بینم حق با من بود. این که شما در این جشنواره‌ها ضمن این که جایزه می‌دهید و قدردانی می‌کنید مقداری هم تعلیم بدهید که ما عادت کنیم، راديوهای دیگر کشورها را نیز بشنویم.

راديو نباید در آینده شنونده خود را از دست بدهد. یک مقدار به نظر من باید برنامه‌های راديو بهتر شود و تلویزیون از حیطة کسانی که هستند بیرون بیاید.

باید سطح برنامه‌ها بالا برده شود و از بیرون بیشتر از استادان رسانه استفاده شود و راديو باید تصمیم بگیرد که از ساز ایرانی برای جلب مخاطب خود استفاده کند. شاید باور نکنید جمهوری باکو از ساز تار استفاده می‌کند و به سازمان بین‌الملل فهمانده که این ساز متعلق به خودش است در حالی که در تصاویر نیشابور، ایرانی‌ها در حال تار زدن هستند. چطور موسیقی از فونیه پخش می‌شود راهش هم این است که آدم‌های موجه مثل آقای فخرالدینی و سالار عقیلی بروند توجیه کنند که یکی از مسائل جذب مخاطب پخش موسیقی از رسانه است. آن هم موسیقی ما که بزمی نیست و رزمی است.

تهیه‌کننده برنامه هم‌کلام می‌شوم، او می‌گوید: آنچه در این برنامه مورد توجه قرار گرفته است گنجاندن بخش‌های متعدد و متنوع است؛ مثلاً در بخش هدیه‌ای از طبیعت، داستان‌های دنباله‌دار و خاطرات محیط‌زیست و طبیعت خوانده می‌شود. در ضمن در این قسمت انواع و گونه‌های مختلف گیاهان، گل‌های زینتی و دارویی معرفی می‌شود و به مصارف آنها نیز اشاره می‌شود.

## موسیقی در طبیعت

آنچه در مرحله اول سبب جلب توجه شنوندگان به برنامه می‌شود، تلفیقی زیبا از صدای پرندگان است که با اجرایی برگرفته از زیبایی‌های طبیعت، لحظاتی سرشار از آرامش را به مخاطبان برنامه هدیه می‌کند. توجه به محیط‌زیست فقط وظیفه یک سازمان نیست، همه سازمان‌ها، نهادها و اشخاص حقیقی و حقوقی کشور وظیفه دارند تا با یک بسیج عمومی از محیط‌زیست و منابع طبیعی حمایت کنند. فاطمه نصرآبادی گوینده، هومن عرب‌شیرازی تهیه‌کننده و کارشناس - مجری از دیگر عواملی هستند که این برنامه را به انجام می‌رسانند.

## احیای طبیعت با راديو

### گزارشی از پشت صحنه برنامه «همراه با طبیعت»، کاری از شبکه راديوی تهران

که هر بار درباره یک گونه از حیوانات وحشی مانند یوزپلنگ و... صحبت می‌شود. در این برنامه ضمن معرفی گونه‌های مختلف حیوانات، درباره نوع تغذیه آنها، نحوه زندگی و تولید مثل آنها نیز توضیحاتی ارائه می‌شود. هومن عرب‌شیرازی که تهیه‌کنندگی برنامه را به عهده دارد در این بخش به‌عنوان کارشناس در خدمت شنوندگان است.

### حفظ محیط‌زیست

در این برنامه در بخشی با عنوان «هشدار ۲۱» مسائل شهری در قالب شهر زیست عرضه می‌شود. این بخش به مسائل زیست‌محیطی، طبیعت و جذابیت‌های آن مانند حیات وحش، پستانداران، پرندگان و گیاهان اختصاص یافته است و محمدرضا صادق‌پور، کارشناس این بخش است و در این زمینه اطلاعاتی را ارائه می‌کند. در فرصتی که دست می‌دهد با هومن عرب‌شیرازی،

با طبیعت باشند. وی می‌افزاید: در این برنامه شنوندگان ضمن این که با مکان‌های دیدنی و جذابیت‌های گردشگری آشنا می‌شوند، گونه‌های مختلف گیاهان و جانوران نیز به آنها معرفی می‌شود و بیشتر با طبیعت و مسائل زیست‌شهری آشنا می‌شوند.

مدیر گروه ورزش و سلامت راديو تهران در ادامه صحبت‌های خود به معرفی جاذبه‌های طبیعی و آثار تاریخی در این برنامه اشاره می‌کند و می‌گوید: یکی از اهداف این برنامه، آشناسازی مخاطبان با چشم‌اندازهایی بکر و شگفت‌انگیزی است که در اطراف ماست. معرفی جاذبه‌های طبیعی، آثار تاریخی، مکان‌های جنگلی، کوهستانی، دریاچه‌ها، آبشارها، پارک‌های جنگلی، چشمه‌های معدنی و آب گرم و... از بخش‌های شنیدنی و آموزنده این برنامه است. یکی از بخش‌های این برنامه رد پای طبیعت است

## گزارش مریم کریمی

راديو تهران از شبکه‌هایی است که با تهیه برنامه «همراه با طبیعت» ضمن فرهنگسازی در امر حفاظت و صیانت از منابع زیستی که سرمایه‌های بارز دنیای امروز هستند و میراثی گرانبها برای نسل‌های آینده به شمار می‌روند، راه‌های حفظ سلامت، تندرستی و بقا در حیات را همراه با جذابیت‌های طبیعت و گردشگری تقدیم شنوندگان می‌کند.

### افزایش دانش زیست‌محیطی

وقتی سر ضبط برنامه می‌رسیم، حمیدرضا حصارکی، مدیر گروه ورزش و سلامت شبکه در استودیو حضور دارد و درباره این برنامه توضیح می‌دهد و می‌گوید: برنامه همراه با طبیعت، جمع‌ها با بخش‌های متنوع گردشگری، محیط‌زیست و مسائل زیست‌شهری همراه شنوندگان است. این برنامه با هدف آشناسازی و فرهنگسازی، شنوندگان را با جذابیت‌های طبیعت و گردشگری آشنا می‌کند. برای همراهی با این برنامه، علاقه‌مندان می‌توانند جمعه‌ها ساعت ۱۸ از شبکه راديوی تهران موج اف.ام.ردیف ۹۴ مگاهرتز همراه



من یک کار سرگرم کننده داستانی نیست و با موضوعات جدی و مهم روز جامعه هند سر و کار دارد. چنین برنامه‌ای ضرورتاً باید جدی باشد و جایی برای شوخی در دل آن وجود ندارد. هر اپیزود این برنامه درباره یک موضوع جدی بحث می‌کند. تمام تلاشم در زمان تولید این برنامه این بود که هر اپیزود آن تا حد امکان بتواند تماشاچی را درگیر خود کند. نمی‌خواستم فقط یکسری اطلاعات ضروری اجتماعی به بینندگان بدهم. هدفم نفوذ در قلب آنها بود. در ستاره‌ها روی زمین هم هدفم ارائه یکسری اطلاعات به تماشاگران بود، ولی در سینما باید تا حد امکان ارائه اطلاعات با تلیق عنصر سرگرمی باشد. البته یک توضیح ضروری درباره واژه سرگرمی بدهم. منظورم از سرگرمی، درگیر کردن حسی، روحی و عاطفی تماشاگر است.

در دهه ۷۰ و حتی ۸۰ میلادی، فیلم‌های هندی انعکاسی از جامعه و واقعیت‌های آن بودند، اما این جور فیلم‌ها را این روزها خیلی کمتر می‌بینیم. آیا جامعه امروزی هند نمی‌خواهد بیننده فیلم‌های واقع‌گرا باشد فیلم‌هایی که در ارتباط با موضوعات اجتماعی و سیاسی است؟

من فکر می‌کنم تماشاچی برای این نوع از فیلم‌ها وجود دارد. البته تعدادشان خیلی زیاد نیست، ولی همین مقدار هم مهم و باشکوه است. باورم این است که ما نیازمند زنجیره‌ای از سالن‌های سینما در سراسر کشور هستیم که فقط فیلم‌های هنری و غیرمتعارف نشان دهند. این موضوع، راه را برای تولید فیلم‌های متفاوت هموارتر می‌کند و در عین حال، تماشاگران هم می‌دانند برای دیدن آنها باید به کجا مراجعه کنند. سینمای مستقل نیازمند کمک و حمایت است. طبیعی است نمایش فیلم‌های مستقل در همان مولتی پلکس‌های نمایش‌دهنده فیلم‌های سرگرم کننده باعث شکست و نابودی این نوع فیلم می‌شود.

۲۵ سال قبل، لقب یک تازه‌وارد را در سینمای هند داشتید. در حال حاضر فکر می‌کنید می‌خواهید کجا و چه باشید؟

وقتی کار بازیگری را شروع کردم، هیچ طرح و ایده‌ای درباره آینده نداشتم و اصلاً فکرش را هم نمی‌کردم به کجا خواهم رسید و اینقدر مشهور خواهم شد. این برای من حکم یک سفر هیجان‌انگیز را داشته است. طی این مدت، چیزهای خیلی زیادی یاد گرفته‌ام. خوشحالم که در ۲۵ سال گذشته بخشی از صنعت سینمای هند بوده و به آن کمک کرده‌ام. امیدوارم در آینده هم عضو مفیدی برای این سینما باشم.

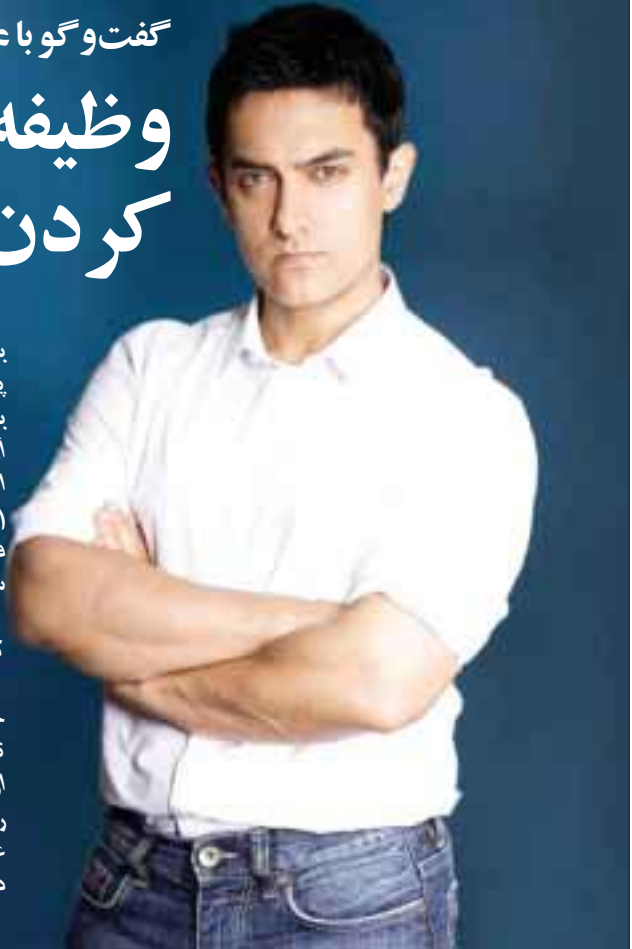


# گفت‌وگو با عامر خان، بازیگر «۳ احمق» وظیفه اصلی من سرگرم کردن تماشاچی است

عامر خان، بازیگر سرشناس سینمای هند، جزو معدود چهره‌های مطرح بالیوود است که زودتر از تمام همکارانش به سمت سینمای اجتماعی رفت. پس از آن که وی بازی، تولید و حتی کارگردانی فیلم‌هایی در ژانر اجتماعی را به عهده گرفت، بقیه چهره‌های سرشناس سینمای هند هم به این ژانر روی آوردند. منتقدان سینمایی می‌گویند عامر خان در کار هنری خود، نوعی تعهد اجتماعی احساس می‌کند. این بازیگر در کنار بازی در فیلم‌های مردم‌پسند (و از جمله قسمت سوم اکشن ماجراجویانه «دوم» که تبدیل به پرفروش‌ترین فیلم کل تاریخ سینمای هند شده است) در فیلم‌های متفاوت و غیرمتعارف سینمای کشور خود هم بازی می‌کند.

«مالیات زمین» (لگان) و «ستاره‌ها روی زمین» (که توسط خود وی کارگردانی شده) از جمله این فیلم‌ها است.

«۳ احمق» سال ۲۰۰۹ روی پرده سینماها رفت و با فروش ۲۰۰ کروری خود (حدود ۳۵ میلیون دلار) تا یک سال قبل، لقب پرفروش‌ترین فیلم کل تاریخ سینمای هند را در اختیار خود داشت. قصه این فیلم (که چند روز پیش از شبکه سه سیما پخش شد) درباره دو دوست است که در کالج با مشکلاتی روبه‌رو هستند و ورود یک همکلاسی تازه به نام رانچو چانچاد (با بازی عامر خان) دنیای آنها را تغییر می‌دهد. عامر خان در گفت‌وگوی اینترویو زیر درباره فعالیت‌های هنری و نوع نگاه خود به فیلم و سینما صحبت می‌کند.



هندوستان تایمز / مترجم: کیکاووس زیاری

قصه دارید یا هر فیلم تازه‌ای یک استراتژی جدید رو کنید؟

خب، مردم و تماشاگران سینما در هند چشم‌انتظار چیزهای تازه و متفاوت هستند. آنها توقع دارند با هر فیلم تازه‌ای، چیزهای تازه‌ای به آنها ارائه شود. به همین دلیل سعی می‌کنم در هر کار تازه‌ای متفاوت از کارهای قبلی عمل کنم و قصه فیلم‌هایم حرف جدید و تازه‌ای برای تماشاگران داشته باشد. باورم این است که هر مضمون تازه و شخصیت متفاوتی که در فیلم‌هایم ارائه می‌کنم، باعث خشنودی بیشتر تماشاگران می‌شود. این مساله کمک می‌کند آنها در انتظار فیلم تازه‌ای از من باشند. سینما در وهله نخست باید تماشاگرانش را سرگرم کند. فکر می‌کنید ستارگان سینما برای هدایت طرفدارانشان به سمت نوع متفاوتی از سینما، وظیفه و مسئولیتی دارند؟

طبیعی است که اولین وظیفه فیلم‌ها، سرگرم کردن تماشاگرانشان است. مردم به سینما می‌آیند تا سرگرم شوند. اگر قرار باشد درس‌هایی درباره جامعه‌شناسی و اینجور چیزها بگیرند، می‌توانند به دانشگاه بروند و سر کلاس‌های درس بنشینند، اما در کنار آن، سینما وظایف اجتماعی هم به عهده دارد و به دلیل پرمخاطب بودن، می‌تواند به صورت غیرمستقیم مسائلی را برای بینندگان مطرح کند. می‌دانید، سرگرمی موجود در فیلم‌های سینمایی را می‌توان به روش‌های متفاوتی در اختیار تماشاچی گذاشت. می‌توان با یکسری شوخی‌های پیش پا افتاده و اکشن‌های سطحی، بیننده را سرگرم کرد، اما می‌توان با بهره‌گیری از یک قصه بهتر و تکنیک برتر هم باعث سرگرمی‌اش شد. وظیفه اول و اصلی من هم سرگرم کردن تماشاچی است، ولی در کنار آن

آنها رویاها و آرزوهای خود درباره آینده فرزندانشان را رها کردند و به آنها اجازه دادند خودشان درباره آینده تحصیلی و کار خود تصمیم بگیرند. من فکر می‌کنم عنصر سرگرم‌سازی در این فیلم، کمک زیادی کرد تا حرف اصلی آن به دل تماشاگران بنشیند. خب، چرا ما باید این بخش و عنصر زیبا و تاثیرگذار را از فیلم حذف کنیم؟ اگر حال و هوای کمدی و سرگرم کننده ۳ احمق نبود، تاثیر پیام آن خیلی کمتر می‌شد.

در رابطه با تلویزیون، این موضوع متفاوت می‌شود؟ ما می‌بینیم مجموعه پر بیننده «سایتامو جایات» شما بیش از حد جدی است.

بین یک فیلم سینمایی و یک برنامه تلویزیونی تفاوت‌های زیادی وجود دارد. حتی برنامه‌های تلویزیونی هم بسیار متفاوت از یکدیگر است. برنامه تلویزیونی

باورم این است که در دل این سرگرم‌کردن‌ها می‌توانم حرف‌هایی را هم مطرح کنم که مربوط به مسائل جامعه است. این مسائل کمک می‌کند جامعه به ارزش‌های اخلاقی بهتر و بالاتری فکر کند و بچه‌های ما بتوانند با اصول بهتری آشنا شوند. باورم این است که اگر چنین کاری را انجام دهم، سرگرمی واقعی را برای تماشاگران به همراه آورده‌ام.

اجازه بدهید سوال بالا را به گونه دیگری بپرسم. تعدادی از فیلم‌های مهم و پرفروش سال‌های اخیر شما (و از جمله «۳ احمق» و «رنگ و بستی») در کنار عنصر سرگرمی، فیلم‌هایی پیام‌دار بوده‌اند. آیا معنی بازی در این فیلم‌ها این است که قصد دارید دیگر در فیلم‌های تجاری بازی نکنید؟

خیر. فیلم‌های من باید تماشاگران خود را سرگرم کند و از وجه تجاری هم موفق باشد، اما جقدر خوب می‌شود در کنار این سرگرمی، یک پیام قوی اجتماعی هم به تماشاگران داده شود. ۳ احمق این حسن را داشت که نگاه والدین هندی را به موضوع تحصیل فرزندان‌شان تغییر دهد. حتی تاثیر خیلی زیادی روی نگاه معلم‌ها به شاگردانشان داشت. بعد از نمایش عمومی این فیلم بود که پدر و مادرها از دیکته کردن به فرزندانشان خود در رابطه با رشته تحصیلی‌شان دست کشیدند. در حقیقت

## نگاه انتقادی به سیستم آموزشی



تازه در این سیستم قدیمی شد. بسیاری از تحلیلگران اجتماعی هم فیلم را به دلیل تاثیری که در زمینه تغییر نگاه و سیاست نسبت به وضع آموزشی هند داشت، تحسین کردند.

سازندگان «۳ احمق» همزمان با نمایش عمومی آن، اعلام کردند امیدوارند نمایش چنین فیلم‌هایی

«۳ احمق» ساخته راجکومار هیوانی در زمان نمایش عمومی‌اش در سال ۲۰۰۹، سر و صدای بسیار زیادی در هند به راه انداخت. در شرایطی که استقبال بالای تماشاگران از فیلم آن را تبدیل به پرفروش‌ترین محصول کل تاریخ صنعت سینمای هند تا آن زمان کرد، رسانه‌های گروهی هم بحث‌های اجتماعی زیادی پیرامون آن به راه انداختند.

در حقیقت، قصه سرگرم کننده و کمدی فیلم (که درباره تلاش سه همکلاسی برای پیدا کردن دوست قدیمی‌شان است) نکته بسیار مهمی را درباره سیستم آموزشی کشور هند مطرح می‌کند.

نگاه انتقادی قصه «۳ احمق» به وضع آموزشی در کشور (که هم مسئولان رسمی مدارس و دانشگاه و هم والدین را در بر می‌گرفت) باعث یک نگرش کلی

کمک کند تا تغییرات در سیستم کهنه و ناکارآمد بسیاری از موضوعات اجتماعی و سیاسی صورت گیرد. عامر خان بازیگر اصلی فیلم، جوانی است که بر علیه ناکارآمدی و کمبودهای سیستم آموزشی کالج خود مبارزه می‌کند و به همین دلیل، با مسئولان کالج درگیر می‌شود. در کنار او، شخصیت‌های دیگری به نمایش درمی‌آیند که در این سیستم کهنه، امکان هنرنمایی و نمایش استعدادها و توانایی‌های خود را ندارند. قصه فیلم تا آنجا جلو می‌رود که به نمایش افسردگی‌های قشر دانشجو می‌پردازد. عامر خان یکی از تهیه‌کنندگان «۳ احمق» هم هست. او در یک دهه اخیر، در کنار بازی در فیلم‌های سینمایی تهیه‌کننده آنها هم بوده است. فیلم‌هایی که او در شرکت فیلمسازی خود تهیه و تولید می‌کند، در کنار عنصر سرگرمی حرف‌هایی هم برای گفتن دارد و به طرح مسائل و مشکلات مردم جامعه هند می‌پردازد.

**قاب کوچک**  
نظر و پیشنهاد خود را درباره این ضمیمه به نشانی تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر روزنامه جام جم یا پست الکترونیکی [ghabekoochak@jamejamonline.ir](mailto:ghabekoochak@jamejamonline.ir) بفرستید یا به شماره ۰۱۱۲۲۱۳۰۰ پیامک بزنید.